



مقاومت پشترفت

قطعات تلاوت تدبری
۱۰ قطعه منتخب ماه محرم
محرم ۱۴۰۳

پیشام

خداى بزرگمنان و مهربانان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«مقاومت و پیشرفت»

قطعات تلاوت تدریجی

۱۰ قطعه منتخب ماه محرم

محرم ۱۴۰۳



- نام کتاب: «مقاومت و پیشرفت» | قطعات تلاوت تدبیری
۱۰ قطعهٔ منتخب ماه محرم
- نویسنده: گروه تولید محتوای نهضت زندگی با آیه‌ها
- ناشر: انتشارات تلاوت
- صفحه‌آرا: علی عبادی فرد
- نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳
- شمارگان: ۱۵۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۷۲-۸۵-۷
- قیمت: ۴۰ هزار تومان



فهرست

مقدمه	۷
تدبر در قرآن	۷
نهضت زندگی با آیة‌ها	۱۰
راهنمای استفاده	۱۱
خط محتوایی	۱۳
قطعات تلاوت در یک نگاه	۱۴
شب اول: هستیم بر آن عهد که بستیم	۱۹
شرح آیات ۲۱ تا ۲۴ سوره احزاب	۲۱
شب دوم: لزوم مرزبندی با دشمن	۲۷
شرح آیات ۳۶ و ۳۷ سوره نحل	۲۸
شب سوم: قیام لله و ترک منافع شخصی	۳۵
شرح آیات ۴۶ و ۴۷ سوره سبأ	۳۶

شب چهارم: ناامیدی و سستی ممنوع، پیروزی قطعی است	۴۳
شرح آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران	۴۴
شب پنجم: قانون جذب یاری خدا و پیشرفت	۵۱
شرح آیات ۴ تا ۸ سوره محمد	۵۲
شب ششم: یک امتحان همیشگی	۵۹
شرح آیات ۱ تا ۷ سوره عنکبوت	۶۰
شب هفتم: وحدت و انسجام جامعه، لازمه مقاومت	۶۷
شرح آیات ۴۵ و ۴۶ سوره انفال	۶۸
شب هشتم: مبارزه و مقاومت رمز پیشرفت و مقدمه ظهور	۷۳
شرح آیات ۹۴ تا ۹۹ سوره اعراف	۷۵
شب نهم: فریب قدرت‌نمایی‌ها را نخورید	۸۱
شرح آیات ۱۷۶ تا ۱۷۹ سوره آل عمران	۸۳
شب دهم: پیام امیدبخش شهدا	۸۷
شرح آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران	۸۸
سخن پایانی	۹۴





مقدمه

تدبر در قرآن

«تدبر در قرآن» موضوعی است که مؤکداً مورد سفارش قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. در قرآن کریم ۴ آیه به صراحت به تدبر در قرآن دعوت می‌کند و آن را وظیفه عموم مردم می‌داند.^۱ علاوه بر آن روایات متعددی پیرامون دعوت مردم به تدبر در قرآن وجود دارد.

در سال‌های پس از انقلاب، تلاش‌های بسیار زیادی برای قرآنی شدن جامعه انجام گرفته و شاهد پیشرفت‌های خوبی در صوت و لحن و تجوید و حفظ قرآن کریم بوده‌ایم؛ اما در حوزه تدبر در قرآن و ارتباط مستقیم مردم با مفاهیم این کتاب الهی هنوز کارهای زیادی برای انجام وجود دارد، چنان‌که مقام معظم رهبری این عقب‌ماندگی را چنین ترسیم می‌کنند: «بحمدالله

۱. نساء: ۸۲، مومنون: ۶۸، ص: ۲۹، محمد: ۲۴



امروز جامعه ما با قرآن مانوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی می‌رساند، تدبیر در قرآن است»^۱.

از تأکیدات مکرر قرآن کریم و میراث گران سنگ اهل بیت علیهم‌السلام، روشن می‌شود که تلاوت قرآن بدون تدبیر، تلاوت مطلوب و مورد پسند خدا و اولیای خدا نیست. تلاوت بدون تدبیر، تلاوتی هدر رفته است؛^۲ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا»^۳ آگاه باشید که خیری در قرائت قرآن بدون تدبیر نیست.

پس بر نخبگان قرآنی جامعه، لازم است تا شرایطی را فراهم کنند، تا مردم با تدبیر، قرآن را استماع کنند؛ مقام معظم رهبری برای تحقق این امر چنین توصیه می‌کند: «تلاوت را باید با تدبیر انجام داد. البته مشکل مردم عزیز ما این است که با زبان قرآن آشنایی درستی ندارند... یکی از کارهای مهم این است که

۱. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۴/۱۹

۲. امام صادق علیه‌السلام در دعای آغاز تلاوت قرآن: «... وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَّبِّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ، أَخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عَقْلَهُ وَلَا قِرَائَتِي هَدْرًا»

۳. مشکاة الأنوار، ص ۱۳۷



ما بتوانیم تلاوت قرآن را بیامیزیم به ترجمه تفسیری، نه ترجمه صرف معنی کلمات؛ یک ترجمه تفسیری که بعضی از ترجمه‌هایی که امروز رایج است و در دست مردم است، همین خصوصیت را دارند که یک نکاتی را در آنجا توجه داده‌اند... یک شکلی و یک شیوه‌ای باید پیدا کنید؛ این را بایستی متخصصین کار قرآن و کسانی که سرگرم این مسائل اند، یک راهی پیدا کنند که ما بتوانیم در محافل قرآنی که تلاوت قرآن می‌شود، به نحوی ترجمه را هم وارد کنیم... شبیه این را قبل از انقلاب بنده در جلساتی که درباره مسائل قرآنی صحبت می‌کردم [انجام می‌دادم]. این جوری بود که من شرح مفصّلی را - مثلاً به قدر شاید یک ساعت - درباره یک موضوعی بحث می‌کردم؛ آیات آن موضوع را انتخاب کرده بودیم. بعد از صحبت من، یک نفر از قراء می‌آمدند می‌نشستند؛ من می‌گفتم [دیگران] قرآن را در مجالس مقدمه سخنرانی قرار می‌دهند، من سخنرانی‌ام را مقدمه قرآن قرار می‌دهم؛ سخنرانی می‌کردم - من ایستاده سخنرانی می‌کردم - بعد آنجا صندلی بود، منبر بود، قاری می‌آمد روی آن منبر می‌نشست و تلاوت قرآن می‌کرد؛ ما آن زمان این کار را می‌کردیم»^۱

۱. بیانات در محفل انس با قرآن کریم ۱۴۰۲/۱/۳



نهیست زندگی با آیه‌ها

«زندگی با آیه‌ها» نهضتی است که با همدلی، همراهی، همفکری و مشارکت همه ظرفیت‌های مردمی و حاکمیتی به دنبال قرآنی شدن جامعه است و می‌خواهد آیات منتخب ناظر به موضوعات کاربردی و مورد نیاز امروز نهضت اسلامی را، برای عموم افراد جامعه، خصوصاً دانش‌آموزان، متناسب با نیاز و سلیقه ایشان به صورت گسترده و مؤثر تبیین نماید. این نهضت با هدف بلاغ مبین ۳۰ فرآز زندگی‌ساز در ماه مبارک رمضان ۱۴۰۳ آغاز و الحمدلله با استقبال و مشارکت بیش از ۱۰ میلیون نفر روبرو شد به نحوی که در طلیعه سال ۱۴۰۳ رهبر فرزانه انقلاب اسلامی دومرتبه از جمله در خطبه‌های نماز عید فطر، با تعابیری همچون «جلوه‌ی قرآن در سراسر این ماه، چشم‌گیر بود»، «از نقاط برجسته ماه مبارک امسال، برنامه‌ها و تفاوت‌های قرآنی بود» و «ز همیشه درخشان‌تر و زیباتر جلوه کرد» از فعالیت‌های قرآنی تعریف و تمجید نمودند. از آنجا که نهضت زندگی با آیه‌ها در راستای تبیین معارف زندگی‌ساز قرآن کریم و عمل به آیه **﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ الَذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ﴾** (آل عمران: ۱۷۸) به دنبال بلاغ مبین آیات زندگی‌ساز قرآن کریم است، طبیعتاً جریان‌سازی کنش‌گران بلاغ مبین، اعم از ائمه جماعات مساجد، مبلغین، فعالان قرآنی و ...



بسیار لازم و ضروری است. یکی از بزرگترین فرصت‌های بلاغ مبین به برکت سیدالشهداء علیه السلام، محرم و مجالس عزاداری سید و سالار شهیدان است و کتاب حاضر جهت استفاده از این فرصت بی نظیر برای تبیین مؤثر ۱۰ فراز نورانی قرآن کریم نگاشته شده است.

تلاوت تدبری قرآن کریم، تلاشی است برای زمینه‌سازی تلاوت و استماع متدبرانه قرآن کریم برای عموم مردم که برگزاری باکیفیت آن‌ها با همت قاریان کلام‌الله، مبلغین، سخنرانان و مجریان جلسات دینی و قرآنی و همه اهل قرآن، میسر خواهد شد.

راهنمای استفاده

این نوشتار به عنوان یک منبع کمکی، برای برگزاری کرسی‌های تلاوت تدبری قرآن کریم در ابتدای جلسات عزاداری ایام محرم، تهیه شده است. این نوشتار، با محوریت ۱۰ قطعه از برخی سُور قرآن با خط محتوایی «مقاومت و پیشرفت»، یک محتوای منسجم و کامل را به مخاطب ارائه می‌کند.

برای هر قطعه توضیحاتی ذکر شده است. این توضیحات با توجه به ارتباط لفظی و ادبی آیات هر قطعه با یکدیگر و همچنین ارتباطی که هر آیه با مجموعه سایر آیات سوره دارد، استخراج شده که در واقع حاصل نگاه منسجم و متدبرانه به ساختار این سوره است.



از آنجایی که مفاهیم مطرح شده ذیل هر قطعه، مبتنی بر معانی لغوی آیات و توجه به ساختار صرف و نحوی به کار رفته در آن‌ها و ارتباط آن‌ها در مجموعه سوره با یکدیگر است؛ لذا برای هر کسی که اندک آشنایی با ادبیات عربی داشته باشد، این توضیحات به راحتی قابل تطبیق با متن آیات است؛ لذا انتظار می‌رود فردی که قصد ارائه این مطالب در محفل تلاوت را دارد، دو اقدام را پیش از محفل و یک اقدام را در طول برنامه صورت دهد:

- پیش از تلاوت اولاً توضیحات ذیل قطعه تلاوت شده را به دقت خوانده، ثانیاً این توضیحات را با متن آیات تطبیق داده، تلاش کند نحوه استخراج آن‌ها را متوجه شود.

- در طول ارائه مطالب نیز شایسته است که مخاطبین را مکرراً به تطبیق مطالب بیان شده با متن آیات تشویق کرده و از آن‌ها بخواهد مطالب ارائه شده را هم‌زمان در قرآن دنبال نمایند. بهتر است برای اجرای بهتر، سخنران و قاری هر دو هم‌زمان در جایگاه حاضر شوند. سخنران به صورت ایستاده مقابل حضار قرار بگیرد یا پشت تریبون بایستد و قاری در بالاترین جایگاه منبر، آماده تلاوت، بنشیند. سپس سخنران، توضیحات مربوطه را حداکثر در مدت ۵ دقیقه ارائه نموده و بلافاصله قاری، همان قطعه را در مدت ۵ دقیقه تلاوت نماید. اگر قاری لحن و فراز و

فرود صوت خود را متناسب با معنای آیات تنظیم کند، ان شاء الله بیشتر موجب جلب رضایت خداوند متعال خواهد شد.

خط محتوایی

با توجه به جنگ غزه که مقام معظم رهبری فرمودند «امروز مسئله‌ی بزرگ دنیای اسلام مسئله‌ی غزه است» و عملیات موفقیت آمیز وعده صادق که مصداقی از زندگی با آیه‌های قرآن کریم در کلان کشور بود و شاهد برکات آن بودیم، به نظر پرداختن به آیات قتال و جهاد و سنت‌ها و وعده‌های نصرت الهی در قطعیت پیروزی و تطبیقش با عملیات‌های طوفان الاقصی و وعده صادق بسیار مؤثر خواهد بود. بازخوانی و بازیابی ایده مقاومت از طریق فرصت بی نظیر قیام مردم غزه و عملیات وعده صادق و شکل‌گیری تحولات جهانی و نمایان شدن کارآمدی منطق مقاومت و دستاوردهایش و جهانی‌شدن گفتمان مقاومت و تأکید بر وحدت و انسجام جامعه به عنوان ثمره و لازمه مقاومت و مبارزه، خط محتوایی مدنظر در محرم است. تمرکز بر این نمونه عملی از زندگی با آیه‌ها در لایه حکمرانی کلان کشور که مردم تجربه‌اش کردند خیلی جذاب است. به اذعان همه مهم‌ترین پیشران معرفتی جامعه غزه برای خلق این حماسه‌ها، چیزی جز





تمسک فراگیر به آیات قرآن کریم نیست، به بیان دیگر غزه امروز باشکوه‌ترین تمثال برای نمایان کردن "زندگی با آیه‌ها" است. از این فرصت باید استفاده کرد برای ایجاد یک حس عمومی در بین مردم که «مقاومت رمز پیشرفت» است. اینکه هزینه‌ها و تبعات سازش بیشتر از مقاومت است. اینکه «مقاومت رکن غیر قابل حذف زندگی» است. علاوه بر این رویکرد محتوایی، برای نشان دادن اینکه امام حسین علیه السلام، نماد و اسوه‌ای تمام عیار برای «زندگی با آیه‌ها» بوده‌اند، می‌توان به سیره امام در مسیر خود از مدینه به مکه و کربلا، که بارها و بارها در حوادث مختلف به آیات قرآن استناد می‌کردند اشاره کرد و نشان داد که سیره و رفتار ایشان، تجلی عینی و عملی "زندگی با آیه‌ها" است.

قطعات تلاوت در یک نگاه

با توجه به دال محتوایی مقاومت و آیات مرتبط با آن و همچنین آیتی که امام حسین در مسیر خود استناد کردند، ۱۰ قطعه زیر برای تلاوت تدبیری انتخاب گردید. برای هر قطعه یک فراز محوری نیز مشخص شده است که مبلغ در تبیین و قاری در تلاوت اهتمام بیشتری بر آن داشته باشند:

ترجمه فراز محوری	فراز محوری	قطعه تلاوت	شب
<p>هستیم بر آن عهد که بستیم...</p> <p>از مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدشان با خدا (برای فرار کردن از میدان جنگ)، صادقانه ایستادند. برخی شان بیمانشان را به انجام رساندند (و شهید شدند) و برخی منتظر شهادت اند. اینان به هیچ وجه تغییر عقیده ندادند.</p>	<p>﴿مِنَ الَّذِينَ بَرَّوا مَا عَاهَدُوا﴾ الله علیه و آله من قعی عهدیه و نهیته من یتعذر یوماً یبداً بالتبذیر! ﴿احزاب: ۲۳﴾</p>	<p>آیات ۲۱ و ۲۴ سوره احزاب</p>	<p>۱</p>
<p>ناگزیر بودن از دگرگیری با طوغیت / لزوم مرزبندی با نظام برای هر ملتی، پیامبری فرستادیم تا بگوید: «خدا را بندگی کرده و از طاغوت دوری کنید.»</p>	<p>﴿وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِی كَلِمَاتٍ وَسُورَاتٍ﴾ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ الْحَنِیْفِ... ﴿نحل: ۳۴﴾</p>	<p>آیات ۲۵ تا ۳۷ سوره نحل</p>	<p>۲</p>
<p>قیام الله، هزینه دادن و ترک منافع شخصی، لازمه مقاومت بگو، فقط یک نصیحت به شما می‌کنم: دوبه دو پاتنهایی برای خدا قیام کنید.</p> <p>در مسیر مقاومت ناامیدی و سستی ممنوع / پیروزی قطعی است</p> <p>وادر جهاد با دشمن سستی نکنید و آزار بیش آمدها و حوادث و سختی هایی که به شما می‌رسد! اندوهگین مشوید، چون شما حقیقتاً برتر هستید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید!</p>	<p>﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَالِدَةٍ إِذْ تَقُولُ لِلذَّكَاءِ﴾ مَنْی وَوَالِدِی... ﴿اسیأ: ۴۶﴾</p>	<p>آیات ۴۶ و ۴۷ سوره اسیأ</p>	<p>۳</p>
	<p>﴿وَكُلِّمُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالُوا لِمَا جَاءَنَا مِنَ الْقُرْآنِ إِنَّا إِذْ نَسْتَدِينُ﴾ كَلِّمُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ... آل عمران ۱۳۹</p>	<p>آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران</p>	<p>۴</p>



شب	قطعه تلاوت	فراز محوری	مقاومت، شرط نصرت الهی و پیشرفت ترجمه فراز محوری
۵	آیات ۴ تا ۸ سوره محمد	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ ثَبَاتٌ كَثِيرٌ ۖ فَإِنْ عَادْتُمْ إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صِرْتُمْ كَالْفِئَةِ ﴾ (محمد: ۷)	مقاومت، شرط نصرت الهی و پیشرفت ای مؤمنان! اگر خدا را باری کنید، خدا هم شما را باری می کند و گام هایمان را محکم و استوار می سازد.
۶	آیات ۱ تا ۷ سوره عنکبوت	﴿ أَحْسِبْتُمُنَّ الَّذِينَ أُتُوا نِعْمَةً أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ ﴾ (عنکبوت: ۲)	ابتلاء و سنت الهی برای تمیز / مقاومت رکن غیر قابل حذف زندگی نکند مردم خیال می کنند همین که ادعا کنند «اسلام آورده ایم»، به حال خودمان رها می شوند و زبانه وسیله جان مال، اولاد و حوادث! محض این پس نمی دهند!؟
۷	آیات ۲۵ و ۴۶ سوره انفال	﴿ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا مَنْ مَّاءَ سَلَّمَ ۗ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ مِنْ أَلْفٍ مَعَ الصَّالِينَ ﴾ (انفال: ۴۶)	وحدت و انسجام جامعه؛ ثمره و لازمه مقاومت و مبارزه در میدان جنگ، دنباله رو خدا و رسولش باشید و با هم جزوی بحث نکنید که رو حیثه تان را می بازند و نیرویتان تحلیل می رود؛ به جای آن، مقاومت کنید که خدا در کنار اهل صبر است.
۸	آیات ۹۴ تا ۹۹ سوره اعراف	﴿ وَرَأَى الْفُلَّ الْفَرَسِيَّ آمِنًا وَرَأَى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ فِي السَّاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ أَقْبَلُ فَانقَلَبْتُمْ إِلَى الْكَافِرِينَ ﴾ (اعراف: ۹۶)	مبارزه و مقاومت رمز پیشرفت و مقدمه ظهور اگر مردم شهرها ایمنان بیاروند و مراقب رفتارشان باشند، درهای ناز و نعمت را از آسمان و زمین به رویشان می گشاییم؛ ولی منافقانه آیه ها و نشانه هایمان را دروغ می دانند. ما هم به سزای کارهای زشتشان، گرفتار عذابشان می کنیم.

ترجمه، فراز محوری	فراز محوری	قطعه، تلاوت	شب
<p>سنت املاء / دست بتر با جریان باطل / آینده تاریک جریان باطل کسانی که بی دینی می کنند، خیال نکنند مهلتی که به آن ها می دهیم، به سود شان تمام می شود؛ به آن ها مهلت می دهیم، فقط برای اینکه برگناه خود بیفزایند؛ بله، عذابی خفت بار نصیبشان می شود.</p>	<p>﴿وَكَيْفَ تَحْسَبُ أَنَّكَ تَعْلَمُ لَهُمْ حَيْرًا لَا تَعْلَمُونَ إِنَّكَ تَنْبُلُ لَهُمْ لَيْتِنَا ذُرَاؤُنَا وَقُلْنَاهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۸)</p>	<p>آیات ۱۷۶ تا ۱۷۹ سوره آل عمران</p>	<p>۹</p>
<p>عهد با امام حسین <small>علیه السلام</small> / ترویج فرهنگ زنده بودن شهید و پشارت ها و امدادهای شهیدا هرگز خیال نکن، کسانی که در راه خدا شهید شده اند، مرده اند؛ بلکه زنده اند و در حضور خدا به آنان روزی مخصوص می دهند، از پاداشی که خدا از سر بزرگاری به آنان داده است، خوشحال اند و به کسانی که از نبی ایشانند و هنوز به آنان نیوسسته اند مؤذنه دهند که از مرگ ترسند و غمی برایشان نیست.</p>	<p>﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَعْيَاهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُتَرَقَّوْنَ * فَرِحُوا بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مَوْتَ حَلْفِهِمْ أَلا حَتَّىٰ عَاتَبَهُمُ وَلَا تَعْلَمُ مَجْرُؤُهُمْ﴾ (آل عمران: ۱۷۹ و ۱۸۰)</p>	<p>آیات ۱۶۹ تا ۱۷۳ سوره آل عمران</p>	<p>۱۰</p>





شب اول

هستيم بر آن عهد كه بستيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۝۱﴾ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا
وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ۝۲۳ مِّنَ
الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ
مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ۝۲۴ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ
الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝۲۵﴾



قطعاً راه‌وروش رسول خدا، برای شما سرمشقی خوبی است؛ یعنی برای آنانی که به خدا و آخرت امید دارند و خیلی به یاد خدا هستند. مؤمنان واقعی واقعی وقتی خیل عظیم دشمنانِ همدست را می‌بینند، می‌گویند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده بودند و خدا و رسولش هم راست گفته‌اند.» دیدنِ این اجماع جهانی دشمنان علیه جریانِ حق، فقط ایمان و تسلیمشان را بیشتر می‌کند. از مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدشان با خدا (برای فرار نکردن از میدان جنگ)، صادقانه ایستادند. برخی از آنان صدق خود را با خون خود نشان دادند و شهید شدند و برخی منتظر شهادت‌اند و بر سر عهد خود ماندند. همه امتحان‌ها برای این بود که خدا راستگویان را به خاطر صداقتشان پاداش دهد و منافقان را اگر بخواهد، مجازات کند یا توفیق توبه به آن‌ها بدهد. آخر، خدا آمرزندهٔ مهربان است.

شرح آیات ۲۱ تا ۲۴ سوره احزاب

امشب شب اول محرم است و می‌خواهیم همین اول کاری یک قرار عاشقانه با امام حسین علیه السلام بگذاریم. قرار شیبه قراری که شهدای کربلا با امام حسین علیه السلام گذاشتند. چه قراری؟ برویم محضر آیات ۲۱ تا ۲۴ سوره مبارکه احزاب تا متوجه این قرار شویم. خداوند در سوره مبارکه احزاب که در اوج فشارهای خارجی و بحران‌های فرهنگی داخلی بعد از جنگ احزاب نازل شده است، به شرایط هولناک جنگ احزاب و عملکردهای مختلف مردم در این امتحان سخت اشاره می‌کند. گروهی در این میدان سخت کم آوردند و زبان به نافرمانی و توهین و جسارت به پیامبر باز کردند. اما خداوند در آیاتی که امشب برای شما توسط قاری عزیز تلاوت خواهد شد پیامبر را به عنوان اسوه حسنه به جامعه معرفی می‌کند تا راه و روش او در همیشه تاریخ چراغ روشنی باشد برای مؤمنین که در این شرایط سخت راه را گم نکنند و بهترین واکنش را از خود نشان دهند.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾

قطعاً راه و روش رسول خدا، برای شما سرمشق خوبی است؛

﴿لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

برای آنانی که به خدا و آخرت امید دارند و خیلی به یاد خدا هستند.





ما باید به پیامبر اقتدا و تأسی کنیم. نه فقط در چند رکعت نماز خواندن که در رفتارمان، در گفتارمان، در معاشرت مان با مردم و با خانواده، در برخوردمان با دوستان، در تعامل مان با دشمنان و بیگانگان، در رفتارمان با ضعفا و مظلومان و با اقویا و در معامله مان هم باید به او اقتدا کنیم. پس باید او را بشناسیم.

اما واقعا چه کسانی پیرو واقعی رسول الله هستند؟ در این شرایط سخت و طاقت فرسا، که دشمن از همه طرف و با تمام قوایش تصمیم به نابود کردن اسلام گرفت بهترین عملکرد چیست؟

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾

مسلمانان واقعی این کسانی هستند که وقتی خیل عظیم دشمنان همدست را می بینند، به جای اینکه بترسند و میدان جنگ و مبارزه و مقاومت را از ترس از دست دادن جان و مال خالی کنند، می گویند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده بودند. دستپاچه نشدند و گفتند این چیزی است که قبلاً گفته بودند که اگر شما در راه حق حرکت کنید، باید منتظر باشید که همه شیاطین عالم به دشمنی با شما بپردازند: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِئَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾؛ (انعام: ۱۱۲) نباید [این چیزها] خلاف انتظارمان باشد.

﴿وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾

و خدا و رسولش هم راست گفته‌اند..»

﴿وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾

خیلی جالب است. دیدن این اجماع جهانی دشمنان علیه جریان حق، فقط ایمان و تسلیمشان را بیشتر می‌کند. خداوند متعال در این آیات راه و روش درست را در مواجهه با حوادث سخت به ما یاد داده است. مؤمنان در مواجهه با حوادث مثل همین تحریم و حمله نظامی و... دچار ترس و دلهره نمی‌شوند. ما هم نباید توقع داشته باشیم که وقتی حکومت اسلامی در دوران سیطره‌ی مادّیّت و حکومت‌های مادّی در دنیا به وجود می‌آید، مادّیون دنیا که همه‌ی قدرتهای مادّی را هم دارند، ساکت بنشینند و تماشا کنند؛ معلوم است که معارضه می‌کنند، معلوم است که اگر بتوانند تحریم می‌کنند، معلوم است که اگر بتوانند جنگ نظامی می‌کنند؛ ما باید کاری بکنیم که به فکر نیفتند این کارها را بکنند و اگر به فکر افتادند و اقدام کردند، سرکوب بشوند؛ وَالْأَتْقَى إِنَّكَ دُشْمَنٌ بِمَا حَمَلْتَهُمْ، تَوْقَعِ دَرَسْتِي نِيَسْتِ.

ما وقتی این فشارها را ملاحظه میکنیم، این شیطنتها و توطئه‌ها را از طرف خبیث‌ترین شیاطین عالم نسبت به خودمان مشاهده میکنیم، میفهمیم وعده‌ی الهی راست است؛ میگوئیم



﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾. خدا وعده فرموده بود که وقتی در راه مستقیم حرکت کنید، شیطانها و کجروان با شما مقابله میکنند؛ بسم الله، این نمونه اش است. این را خدا قبلاً به ما فرموده بود، آیات قرآن به ما گفته بود. ﴿وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾؛ سخن خدا راست است. ﴿وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾؛ این، ایمان ما را به وعده ی الهی بیشتر می کند. برای همین بود که وقتی مردم ما دیدند شرق و غرب، همدست و متحد، بر سرشان ریختند، گفتند: «ما انتظار این را داشتیم.» و ایستادند و مقاومت کردند و بالأخره آنها را دفع کردند و ناکام گذاشتند.

آری این مردان بزرگ هستند که اینطور عاشقانه و صادقانه پای قرار و عهد خود با خدا می ایستند:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾ از مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدشان با خدا (برای فرار نکردن از میدان جنگ) صادقانه ایستادند. برخی از آنان صدق خود را با خون خود نشان دادند و شهید شدند ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَجْبَهُ﴾ و برخی منتظر شهادت اند و بر سر عهد خود ماندند ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾

اولین ویژگی و شاید مهم ترین ویژگی عشاق اباعبدالله الحسین علیه السلام این است که در قرار عاشقی با اباعبدالله الحسین علیه السلام

تا آخر ایستادند، مگر می‌شود عشق به امام داشت اما قرار عاشقی نگذاشت. این آیه، آیه‌ای که حضرت اباعبدالله در مسیر کربلا هنگام شنیدن خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی و همچنین در بالین مسلم بن عوسجه می‌خواندند. آیه در رسای رزمندگانی است که صادقانه پای قرار و عهد خود با خدا ایستادند و مقاومت کردند. کدام عهد؟ عهدی که در آیه ۱۵ احزاب بیان شده است: **﴿وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا لَلَّهِ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَانَ﴾** عاشق نباشی فرار را به قراری که گذاشتی ترجیح خواهی داد. صادق کسی است پای عهد خود می‌ایستد و در میدان مبارزه با دشمن فرار نمی‌کند. مثل شهدای خدمت که علی‌رغم همه نامهربانی‌ها و طعن‌ها تا آخرین نفس دست از خدمت به مردم و انقلاب اسلامی برنداشتند. همچون مردم مقاوم غزه که پای مقاومت صادقانه ایستادند. برآستی ایشان مردان صادق الوعدی بودند که بر آنچه با خدا پیمان بسته بود استوار ماندند و مصداق عینی این فراز نورانی قرآن شدند.

ما نیز باید این مسیر را ادامه دهیم چرا که به همگی ما دستور داده شده است که **﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾** صادق کیست؟ کسی که در صحنه جهاد و مبارزه و مقاومت شانه خالی نمی‌کند. **﴿وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا﴾** خیلی مهم است. آرمان‌ها نباید تغییر کند.



حال این صحنه‌های سخت چرا بوجود می‌آید؟ خداوند در آیه بعدی می‌فرماید:

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ﴾

همه امتحان‌ها برای این بود که خدا راستگویان را به خاطر

صداقتشان پاداش دهد

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنِ سَاءَ أَوْ تَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾

و منافقان را اگر بخواهد، مجازات کند یا توفیق توبه به آن‌ها بدهد.

﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

آخر، خدا آمرزنده مهربان است.

امشب شب اول محرم است، بیایم یک قرار عاشقانه با امام

حسین علیه السلام بگذاریم، پای قرار عاشقانه بایستیم، شبیه شهدای

کربلا، شبیه مسلم بن عقیل.



شب دوم

لزوم مرزبندی با دشمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ
مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ تَحْرِصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٧﴾﴾



برای هر ملتی، پیامبری فرستادیم تا بگوید: «خدا را بندگی کرده و از طاغوت دوری کنید.» آنگاه، خدا دست گروهی را گرفت که از خود لیاقت نشان دادند و گروهی هم با بی لیاقتی شان سزاوار گمراهی شدند. پس به گوشه و کنار دنیا سفر کنید و ببینید آخر عاقبت آن‌هایی که آیه‌های خدا را دروغ دانستند، چه شد! هر چقدر هم برای هدایت آن‌ها حرص بزنی، باز بی فایده است؛ زیرا خدا مردم لجاج‌بازی را که به حال خودشان رها کرده است، به مقصد نمی‌رساند. آن‌ها دیگر یآوری ندارند.

شرح آیات ۳۶ و ۳۷ سوره نحل

شب دوم محرم است و شب ورود کاروان اباعبدالله به سرزمین کربلا. امشب می‌خواهیم خودمان را به کاروان امام حسین علیه السلام برسانیم. می‌خواهیم با تلاوت آیات ۳۶ تا ۳۷ سوره مبارکه نحل با یکی از فرازهای قرآنی آشنا شویم که حادثه عاشورا مصداق آن عمل به این فرازها بوده است. این آیات مسیر امام حسین را نشان می‌دهد و اگر ما هم بخواهیم همراه امام حسین علیه السلام کربلایی شویم، باید این آیات را برنامه زندگی خود قرار دهیم. ظاهراً نیمی از سوره نحل در مکه و نیمی از آن بعد از هجرت

به مدینه و در مدینه نازل شده است و به نحوی این سوره در مورد دوره گذار از حاکمیت کفر به حکومت اسلام و مسائل اجتماعیِ گره خورده به آن صحبت می‌کند. یکی از مسائل مهمی که در این سوره بیان می‌شود و خط کلی جریان حق را نشان می‌دهد آیه ۳۶ این سوره است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا﴾

برای هر ملتی، پیامبری فرستادیم. که چه اتفاقی بیفتد؟!

﴿أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

تا دو تا اتفاق بیفتد. یکی «﴿أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ﴾؛ خدا را بپرستید.» و بعد «﴿وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾؛ و از طاغوت اجتناب کنید.» همه پیامبران برای همه امت‌ها آمدند تا این سخن را بر آنان ابلاغ کنند که: بنده خدا باشید و از طاغوت دوری کنید. از کسانی که غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید.

یکی از عوامل سیل، طغیان رودخانه‌ها است. رودخانه‌ها وقتی طغیان می‌کنند که بیشتر از ظرفیتشان در آنها آب وارد شود و این بیشتر وارد شدن آب سبب می‌شود که خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی اطراف تخریب شود. این اتفاق در مورد آدم‌ها هم می‌افتد. برخی از آدم‌ها مصداق طاغوت می‌شوند به خاطر اینکه ظرفیتشان پایین است و وقتی خداوند به آنها مقداری مال یا



قدرت می دهد، خودشان را گم می کنند و با آن مال و قدرت شروع به تخریب و از بین بردن دیگران می کنند. قدرت و ثروت فراوان سبب می شود که آنها خود را خداوندگار ببینند.

طاغوت هر آن چیزی است که تجاوزگرایانه و طغیان گرایانه، در عرض خداوند - فارغ از این که خداوند، چه دستوری داده است - به خود دعوت می کند و دوری و اجتناب از ایشان، محتوای دعوت رسولان است.

راه امام حسین علیه السلام هم با همین دو مفهوم گره خورده است. همواره رهبران حرکت های انقلابی بر علیه طاغوت اند و بندگی خدا، بدون چنین مبارزه ای، هرگز شعار رهبران الهی نیست. زمانی که امام حسین علیه السلام حج را رها کرد، خیلی ها به خیال خودشان مشغول نماز و عبادت و بندگی دور خانه خدا بودند. اما عبودیتی، بدون نفی طاغوت. چنین عبودیتی عادت به ضعف و حقارت است. از این آیه فهمیده می شود که رسولان، تنها به پرستش خداوند دعوت نمی کردند؛ بلکه طاغوت با آن همه عظمت ظاهری اش را منکر می شدند. چنین عبودیتی است که قدرت می آورد و نه ضعف؛ چون ملازم با استقلال از غیر خدا است. نمرود و فرعون و هامان و قارون، همگی از طاغوت هایی بودند که در تقابل با انبیا، بتشان شکسته شد؛ پس هر جا که سخنی از انکار طاغوت

و اجتناب از آن مطرح نیست، توحید و دین حقیقی انبیا محقق نشده است. در مقابل، هر جا که انبیا وارد شده‌اند، به سرعت ندای باطل بودن طاغوت و حکومتش را سر داده‌اند.

طاغوت کیست؟ همه‌ی ظالمان، همه‌ی پادشاهان خبیث، در مثل امروزی بسیاری از این رؤسای جمهور ظالم مثل اینهایی که امروز در آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر هستند - اینها همان طواغیتند.

معنای اجتناب از طواغیت این نیست که دامن‌ت را از آنها دور کن تا آلوده نشوی؛ معنایش این است که یک خطی در مقابل خط توحید و خط عبودیت الهی وجود دارد و آن، خط طاغوت است. کفر به طاغوت، همراه و ملازم با ایمان بالله است؛ این، جهت بعثت انبیا است. فلذا در آیه‌ی الکرسی می‌خوانیم: **﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾** اصلا ایمان به خدا بدون کفر به طاغوت امکان‌پذیر نیست. این راه همیشگی است چرا که این طاغوت و دشمن همیشه هست و تا ما را از هویت دینی خود برنگرداند دست بردار نیست: **﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ﴾** (بقره: ۲۱۷)

فدای امام حسین علیه السلام بشوم، خودش از اول مرز خودش را با





دشمنش مشخص کرد. امام حسین علیه السلام با شعار هیئات منا الذلّة حاضر نشد زیر بار ذلت اطاعت از یزید و یاران ستمگر او برود و به جای یاری طلبیدن از قدرتمندان و زورگویان زمان خود، تنها به خداوند تکیه کرد و در راه اطاعت از او جان خود را فدا کرد، چراکه راهی جز این نیست. امام حسین با ظلم و ستم مرزبندی شفاف و قاطع داشت. همانطور که هنگام خروج از مکه با فرستادگان حکومت درگیر شدند و آیه «**لِيْ عَمَلِيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيْئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيْءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ**»؛ عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم!» را تلاوت فرمودند. ما تا به این نقطه نرسیم که این مرزبندی با دشمن در مدیریت زندگی مردم، اصل حسینی و الهی است و عامل پیشرفت ماست و عدم مرزبندی و به قول آیه الله بهجت رحمته الله اختلاط و قاطی شدن با کفار، عامل بدبختی و پسرفت ماست، نباید چشم انتظار ظهور بقیه الله باشیم.

مسأله فلسطین هم راه حلی جز مقاومت ندارد. مردم غزه به این بلاغ رسولان لیبیک گفته‌اند. چراکه اجتناب از طاغوت، وظیفه مردم است و آنان باید رسول را در دور کردن این طاغوت از جامعه، یاری رسانند.

﴿فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾

در میان امت ها، مردمی بودند که همراه رسولان الهی شدند و مورد هدایت الهی واقع شدند.^۱ و گروهی دیگر از مردم، در مسیر بندگی خدا و مرزبندی با طاغوت کوتاهی کردند و با کاروان رسولان همراه نشدند و ضلالت و گمراهی بر آنان ثابت و مستقر شد. این گروه دوم، با سوء اختیار خویش، سبب شده اند که ضلالت برایشان ثابت و لازم شود.^۲

﴿فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾

۱. بیان آیه، هدایت را به خداوند نسبت داده، چون هدایت، تنها از جانب خداوند متعال است و احدی با او شریک نیست. این مفهوم در جای جای قرآن کریم بیان شده است: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ و ﴿إِنْ تَحَرَّصَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ﴾. طبق بیان علامه طباطبائی، این مسئله مستلزم جبر نیست؛ چراکه مقدمات، در اختیار خود عبد است. طبق آیه مبارکه ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ هدایت الهی، طریقی است که در دسترس خود انسان است؛ اگر انسان از محسنین باشد و در راه خدا تلاش کند تا حق را بیابد. در این صورت، خداوند نمی‌گذارد او گمراه شود.

۲. گاه آدمی با پیروی دائمی از هوای نفس و نافرمانی پروردگار جهان، به تدریج، استعداد فطری اش را برای هدایت از دست می‌دهد؛ این همان ضلالتی است که خداوند، انسان را به دلیل سوء اختیار خود او دچار می‌کند و آیه برای رعایت ادب، دیگر آن را به خداوند نسبت نداده است.



در زمین سیر کنید تا عاقبت و سرانجام مکذبین را ببینید. همان کسانی که رهبر دینی را در محتوای دعوتش که عبارت بود از «**أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ**»، دروغگو دانستند. یعنی رسول را در دعوت به عبودیت خدا و اجتناب از طاغوت دروغگو دانستند. مثل همین حکام به ظاهر اسلامی که نه تنها مرز خود را با دشمنان مشخص نکردن، که دست به یاری طلبیدن از دشمنان اسلام و معامله با آنها زدند و در واقع با عمل خود آیتی همچون: «**لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ**» و «**لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ**» و «**أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ**» را تکذیب کردند. «**إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ**» (۳۷)

باز هم اگر می‌خواهی اینها هدایت شوند، بدان که خداوند متعال، کسی را که به دلیل عملکرد غلط خودش گمراه کند، هدایت نمی‌کند و یآوری هم ندارند.^۱

۱. خداوند این اضلال را به خودش مستند می‌کند: اینها که رسول را قبول نمی‌کنند، دیگر خودم گمراهشان می‌کنم و وقتی باخدا درافتاده‌اند، یاور و هادی دیگری هم نخواهند داشت. این گمراهی، کیفری است. مجبور به گمراهی نشده‌اند؛ چون راه هدایت (راه رسولان) باز بود؛ ولی این راه را که نروند، «سوء اختیار» کرده‌اند و دیگر خدا گمراهشان می‌کند.



شب سوم

قيام لله وترك منافع شخصی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا

بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّهُ هُوَ الْوَالِي الَّذِي يُنذِرُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾﴾



بگو: فقط یک نصیحت به شما می‌کنم: دوبه‌دو یا تنهایی برای خدا قیام کنید. بروید خوب فکر کنید: در کسی که با او نشست و برخاست داشته و دارید، نشانی از دیوانگی نیست. او فقط هشدار دهنده شما در برابر عذاب سخت پیش رو است. بگو: هر مزدی از شما برای تبلیغ دین بخواهم، به نفع خودتان است. مزد واقعی من فقط با خداست و او شاهد همه چیز است.

شرح آیات ۴۶ و ۴۷ سوره سبأ

شب سوم محرم فرا رسید و باز هم در این شب پرفیض، با کلام نورانی قرآن کریم، به سوی خیمه‌گاه عشق و معرفت امام حسین علیه السلام رهسپار می‌شویم.

شاید شما هم این تجربه را داشته‌اید که در محضر بزرگی حاضر شوید و از او بخواهید که یک نصیحت به شما بکند. می‌دانیم که هر کلامی که از دهان آن بزرگوار خارج می‌شود، گویی عصاره تمام حکمت‌ها و تجربیات اوست. و هر چه آن بزرگوار عالم‌تر و حکیم‌تر باشد، این نصیحت از ارزش و اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

حالا فرض کنید خدای حکیم و دانا، خالق هستی و سرچشمه تمام علوم و حکمت‌ها، در آیه‌ی ۴۶ سوره سبأ به پیامبرش دستور می‌دهد که به سوی مردم برود و این پیام را به آنها ابلاغ کند:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ﴾

«ای مردم، فقط یک نصیحت به شما می‌کنم...»

یعنی چی؟ یعنی خداوند متعال می‌خواهد به ما بگوید که تمام حرف‌ها و نصیحت‌های من در این یک کلمه خلاصه شده است. و این کلمه آنقدر مهم است که خداوند فقط به گفتن همین یک کلمه بسنده می‌کند. اما آن موعظه چیست؟

﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ﴾

دوبه‌دو یا تنهایی برای خدا قیام کنید. فقط حرف زدن و ادعا کردن کافی نیست، باید ایستاد و قیام کرد. پیغمبر، انسانها را به حرکت و قیام دعوت کرد. قیام یعنی چی؟ یعنی از حالت سکون و رخوت دربیایم، خودمان رو مسئول بدانیم و برای دفاع از حق و در راه خدا حرکت کنیم.

فرقی هم نمی‌کند درچه شرایطی باشی، در خانه‌ای، در خیابان یا در محل کار. هر جا هستی می‌توانی برای خدا قیام کنی..

البته اخلاص هم می‌خواهد. برای خودتان و جلب منافع

خودتان قدم برندارید، بلکه برای خدا به پا خیزید. ﴿تَقُومُوا لِلَّهِ﴾





اولین گام برای همراهی با امام حسین قیام برای خدا است. قدم اول سلوک، همین بیدار شدن و ایستادن برای خداست. منتظر آمار هم نباشید، دو نفر دو نفر، نشد یک نفر یک نفر... ﴿مَثْنَى وَفِرَادَى﴾ حتی اگر دیگران همراهی نکردند باید به تنهایی برای خدا قیام کرد. نباید منتظر ماند تا همه شرایط مهیا شود تا کار کرد. همانطور که امام حسین علیه السلام در راه مبارزه و مقاومت و دفاع از حق و عدالت، از تنها ماندن نترسید و از تمام تعلقات دنیوی و جان خود گذشت و با فداکاری بی نظیر خود، درس آزادگی و ظلم ستیزی را به بشریت داد، ما نیز برای ادامه مسیر امام حسین علیه السلام باید با این آیه زندگی کنیم.

اگر بخواهیم زیربنای مکتب مبارزه‌ی امام خمینی علیه السلام و انقلاب امام را در یک جمله عرض بکنیم، باید بگوییم زیربنای همه‌ی فعالیت‌های ایشان «قیام لله» بود؛ امام در دهه‌ی ۲۰، در آن نوشته‌ی معروف و تاریخی‌ترین سند مبارزاتی خود، با محوریت همین آیه ۴۶ سوره سبأ از قیام لله سخن می‌گویند و مردم را به قیام لله و ترک قیام برای منافع شخصی دعوت می‌کنند.^۱ همچنانکه شهید

۱. بخشی از این پیام: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه‌ی جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از

رئییسی به رغم وجود همه مشکلات و موانع، انقلابی خدمت کرد.
حالا که برای خدا قیام کردید، بروید خوب فکر کنید:

﴿ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا﴾

در فضای غوغا و هیاهوی بی پایه کفار بر ضد حق، امکان
تفکر نیست؛ تک تک یا دوبه دو از این شلوغی ها فاصله بگیرید و در
مورد رسول خودتان که سال ها بین شما زندگی کرده، تفکر کنید:

﴿مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٦١﴾﴾

ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه
مشتی شهوت پرست پشت میز نشین شدند. قیام برای شخص است که یک
نفر مازندرانی بیسواد (رضاخان پهلوی) را بر یک گروه چندین میلیونی چیره
می کند که خزّ و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع
شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر
اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره
است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و مراکز
علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و
محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هرزه گرد بی شرف کرده و نفس از
هیچ کس در نمی آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سرزنهای
غیف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت
جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی گوید».

۱. بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می دهم [و آن] اینکه: دو تا دو تا
و یک یک، برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقان [محمّد که عمری با
پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شما زندگی کرده است] بیندیشید





آیا با توجه به این ۴۰ سالی که در بین شما زندگی کرد، و با توجه به حرفها و استدلالهایی که آورده، باز هم می‌توان گفت او کوچکترین جنونی دارد؟ او فقط شما را از عذاب شدید انذار می‌دهد و خیرخواه شما است.

﴿ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا﴾ تفکر باید تفکر «قائمانه برای خدا» باشد. ﴿مَتَنِّي وَفُرَادِي﴾، تفکر قائمانه باید بدون توجه به همراهی یا عدم همراهی دیگران، و بدون توجه به هیاهوی رسانه و تهدیدات و سختی‌های نتیجه و فقط با معیار «حقانیت و خدا» باشد.

در ادامه می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾

این عبارت کنایه است از اینکه خیالتان راحت باشد، من از شما مزدی در برابر دعوت‌م نمی‌خواهم. تا دیگر او را متهم به این نکنند، که دعوت خود را بهانه کرده برای رسیدن به مال و یا ریاست.

سپس کلام را با جمله

﴿إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾

به پایان رسانده است، تا کسی به او ایراد نکند که: هرگز این

که هیچ‌گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست،

جز بیم‌دهنده‌ای نیست. (۴۶)

ادعای تو، یعنی توقع نداشتنت قابل قبول نیست، چون هیچ انسان عاقلی بدون هدف کاری نمی‌کند، جمله مورد بحث جلو این ایراد را گرفته، می‌فهماند که من بدون هدف نیستم، و بدون مزد کار نمی‌کنم، ولی مردم بر خدا است، نه بر شما، و خدا شاهد و ناظر عمل من است، و او بر هر چیزی ناظر است نه تنها بر عمل من.







شب چهارم

نامیدی و سستی ممنوع،
پیروزی قطعی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٣٣﴾ إِنْ يَمَسَّكُمْ
فَتْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَتْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ آيَاتُ نُدَاوِلْهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٣٤﴾ وَلِيُمَحِّصَ
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٥﴾﴾



و [در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید، چون شما حقیقتاً برتر هستید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید! اگر در جنگ احد شما ضربه‌ای خوردید، در جنگ بدر هم دشمن ضربه‌ای مشابه خورد. طبق مصلحت، روزهای پیروزی و شکست را بین مردم دست‌به‌دست می‌کنیم تا خدا کسانی را که واقعاً ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از بینتان گواهانی بر کارهایتان بگیرد... خدا بدکارها را دوست ندارد. و تا مؤمنان را خالص و [از عیوب و آلودگی‌ها] تصفیه و پاک کند و بی‌دین‌ها را کم‌کم معدوم سازد.

شرح آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران

در محضر آیات ۱۳۹ تا ۱۴۱ سوره آل عمران هستیم. این سوره بعد از شکست مؤمنان در جنگ احد نازل شده است تا یک تحلیل درست از این شکست در مقابل کفار برای مؤمنان ارائه دهد و شبهاتی که در جامعه پراکنده می‌شود را پاسخ گوید و به بازسازی افکار و روحیه و سازماندهی مجدد مسلمانان بعد از تحمل شکست بپردازد.

جنگ احد پیش آمده و مسلمانان در این جنگ شکست خورده‌اند. شکست مسلمانان در جنگ با کفار به رغم سخنانی آتشین پیامبر درباره وعده نصرت خدا، سستی و حزنی در بین مسلمانان پدید آورده و «ایشان را در معرض بی‌اعتمادی به وعده‌های الهی قرار داده» و به خاطر کشته دادن فراوان در این شکست به حسرت کشیده است.

آیاتی که امشب برای تان تلاوت خواهد شد، مقابله با سستی و حزنی است که به خاطر شکست در مومنان ایجاد و با وجود تحلیل اشتباه، موجب تردید در وعده‌های الهی شده است:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (۴۵)

شما نباید سستی بورزید و نباید ناراحت شوید، چون مطمئن باشید «قاعده همیشه صادق جهان» این است: شما دست برتر را دارید؛ فقط به یک شرط و آن هم مومن ماندنتان.

چرا بعضی‌ها سستی می‌کنند، چرا بعضی‌ها در مقابل مشکلات زندگی فردی و اجتماعی، خسته می‌شوند و کم می‌آورند؟! چرا بعضی‌ها غمگین می‌شوند؟ چون اساساً چنین باوری ندارد که ما برتریم. کافر به این برتری و البته شکست‌ناپذیری هستند. خداوند وسط سختی‌های بعد از شکست جنگ احد امیدآفرینی می‌کند و دستور می‌دهد: ناامیدی و ترس و حزن در مسیر مقاومت که با سختی‌ها و موانع بسیاری مواجه است، راه ندارد. ممنوع است.





همیشه تاریخ، مستکبران صاحبان قدرت و ثروت بودند و جریان حق، دست خالی. ولی نصرت و یاری خدا همیشه با کسانی است که در مسیر حق اهل استقامت و مقاومت هستند و در این صورت دیگر هیچ چیزی نمی‌تواند جلودار آنان باشد. چرا که این مسیر اصلا شکست ندارد: «قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ» (توبه: ۵۲)

اما شرط این پیروزی و برتری، در این آیه یک چیز ذکر شده است و آن عبارت است از ایمان. فرمود: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! ایمان به چه چیزی؟ یکی از سخت‌ترین ایمان‌ها ایمان به نصرت خداست و اینکه خدا به ما کمک می‌کند. اگر این ایمان نباشد، نمی‌شود امام حسینی شد و امام حسینی ماند. نمی‌شود اهل مقاومت و ایستادگی شد. ولی وقتی این ایمان آمد، به تبعض مقاومت و ایستادگی می‌آید و نتیجه‌اش جز نصرت خدا و پیروزی نیست.

شکست مفتضحانه رژیم صهیونیستی در ۷ اکتبر، ناکامی‌ها در تحقق اهداف حمله زمینی و هوایی به غزه و عملکرد مذبحخانه مدعیان ابرقدرتی در مواجهه با عملیات وعده صادق ایران هیمنه پوشالی و دروغینی که سال‌های سال با تولید فیلم‌ها و تولیدات رسانه‌ای و خبری گسترده برای رژیم صهیونیستی بر ساخته شده

بود و از طریق آن به اغوا و فریب مسلمانان می پرداختند، در پیش چشم مردم جهان و علی الخصوص کشورهای اسلامی شکسته شد. این موفقیت فقط و فقط مرهون مقاومت خونین و مثال زدنی جامعه فلسطین و به خصوص مردم غزه و جمهوری اسلامی در این سال ها است.

این آیه و قاعده همواره درست آن تلویحا به علت شکست در جنگ احد هم اشاره دارد: ضعف ایمان شما باعث شکستتان بود نه اینکه مشکلی در سنت یاری خدا و رسول باشد.

﴿إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرَجٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَجٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَيَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٥﴾﴾
﴿إِنْ يَمَسُّكُمْ فَرَجٌ﴾ نشان می دهد که آسیب و جراحی به

مسلمانان وارد شده است. در آیه قبل، حرکت رو به آینده توجیه شد. اما دلداری مؤمنین، نیازمند جبران شکست گذشته نیز هست، که خسارات زیادی به بار آورده: اگر می بینید که کافران امروز در جنگ احد پیروز شدند و شما شکست خوردید، نباید نا امید شوید چون آنها نیز (در همین جنگ، یا دیگر جنگ ها همچون بدر که مؤمنین در آن پیروز شدند) مانند این کشته ها و خسارات را متحمل شدند. اما با یک تفاوت: در طراحی خداوند، شکست هم کارکردها و منافعی دارد. این گردش ها برای نشان دادن مومنان و رو کردن



بی ایمان ها و بی ایمانی هاست. **﴿وَلْيَعْلَمْ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾** برای اینکه شواهدی از شما گرفته شود که اثبات کننده ضعف و قوت ها باشد. گمان نکنید این پیروزی کفار، از روی محبت خدا به کفار است. هرگز! خداوند هیچگاه ظالمان را دوست نداشته و نمی دارد.

﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

﴿وَلْيُمَجِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيُمَحِّقَ الْكَافِرِينَ﴾ (۱۱)

این بالا و پایین شدن ها باعث تمحیص و پاک سازی ایمان مومنان توسط خدا، چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی نیز می شود. خداوند حکیم، کفار را نیز با همین پیروزی با مؤمنین!! به واسطه تقویت ایمان در مؤمنین به سوی نابودی نهایی می برد. بعد از اینکه مومنان خالص سازی شدند، شرط اعلون بودن و برتری که در آیه ۱۳۹ فرمود محقق می شود و آنگاه نابودی کفار حتمی می گردد.

در آیات بعدی، تصحیح بینش و منطق محاسباتی مسلمانان که از آیات قبل شروع شده بود ادامه می یابد و ضعف ایمان آنها با مقایسه مقام حرف و عمل به رخ شان کشیده می شود. به آنها گوشزد می گردد که هر اتفاقی که در جنگ رخ داد نباید موجب عقب نشینی آنها شود، حتی از دنیا رفتن شخص پیامبر اسلام! مسلمانان باید بدانند علت شکست پیشین، هیچ چیزی جز

عصیان و دنیاخواهی و تفرقه و... که به ضعف ایمان بازمی‌گردد نبود و اگر به ایمان پایبند باشند حتماً و حتماً پیروزند.

همچنین به نمونه یاران باوفای پیامبران گذشته اشاره می‌کند که در مصیبت‌ها دچار سستی و ضعف نمی‌شدند و با استعانت از خدا، در پی رفع نقایص خود بودند تا بتوانند بر کافران نصرت یابند. مؤمنین حقیقی اینطورند: **﴿وَكَائَةٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَل مَعَهُ رَبِّيۡوَتَ كَثِيْرًا فَمَا وُهِنُوْا لِمَا اَصَابَهُمْ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكَانُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ﴾** (آل عمران: ۱۴۶)

این آیاتی که امشب برایمان تلاوت می‌کنند، دستورات قرآن است. **﴿وَلَا تَهِنُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا﴾** در راه خدا خسته و سست نشوید. حتی در دل سختی‌ها و شکست‌ها باید امیدوار بود. **﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ﴾** اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. هرگز از دشمنانی که از دین و اخلاق و انصاف تهی هستند، ترس در دلتان راه ندهید. ایمان شما، شما را برترینها قرار داده است. این ایمان را حفظ کنید. همه‌ی این حرفهائی که زدیم، مربوط به آن وقتی است که رابطه‌ی ما با خدا خوب باشد؛ مربوط به آن وقتی است که شما جوانان عزیز، با تقوا باشید؛ مربوط به آن وقتی است که شما زن و مرد، سعی کنید دینتان را حفظ کنید؛ در مقابل جاذبه‌های گناهان فردی و اجتماعی، تسلیم نشوید و در



مقابل وسوسه‌ی شیطان، مقاومت کنید. شما می‌توانید و امتحان کردیم که شما می‌توانید. بالاترین وسوسه‌های شیطان، وسوسه‌ی حفظ نفس است. چقدر شما در زیر گلوله بارانهای پی‌درپی دشمن و آتشیهای انبوهی که دشمن، در جنگ بر سرتان می‌ریخت، جلو رفتید و نترسیدید! بیکر مطهر و مبارک رفیق‌تان را دیدید که پهلوی شما افتاد و شهید شد، اما شما جلو رفتید. شیطان در این جاها وسوسه‌ی بسیار قوی‌ای دارد. شیطان می‌ترساند؛ ﴿يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾ اما نتوانست شما را بترساند. نتوانست شما را در قبضه و تصرف خود بگیرد و در مقابل گناه هم نخواهد توانست. در مقابل دشمنان سرتاپا مسلح هم نخواهد توانست.





شب پنجم

قانون جذب یاری خدا و پشرفت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَصَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَمَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا
الْوَتَانَ فَإِنَّمَا مِنَّا بَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ
لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن
يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ۝ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا
لَهُمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ۝
وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَالصَّلَاتُ أَعْمَالُهُمْ ۝﴾



وقتی با بی‌دین‌های مانع راه خدا در میدان جنگ روبه‌رو می‌شوید، حتماً تارومارشان کنید تا جایی که آتش جنگ بخواهد. موقعی هم که جاپیتان را در خط مقدم سفت کردید، آن وقت از آن‌ها اسیر بگیرید. بعد، یا منت بگذارید و آزادشان کنید یا اینکه در برابر گرفتن پول یا مبادلهٔ اسیران آزادشان کنید. دستور همین است. اگر خدا می‌خواست، خودش از آن‌ها انتقام می‌گرفت؛ ولی این طوری با یکدیگر امتحانتان می‌کند. خدا تلاش شهیدان را از بین نمی‌برد. و آنان را به طرف خوشبختی می‌برد و از سختی‌های برزخ و قیامت می‌رهاند. و به بهستی که قبلاً برایشان توصیفش کرده، واردشان می‌کند. ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد. سرنگون باشند بی‌دین‌ها! خدا کارشکنی‌شان را خنثی می‌کند.

شرح آیات ۴ تا ۸ سوره محمد

امشب در محضر آیات ۴ تا ۸ سوره مبارکه محمد ﷺ هستیم. خداوند در این سوره بیان می‌کند که خدا کافران مانع راه خدا را در رسیدن به اهداف‌شان ناکام خواهد گذاشت. اما این سنت الهی

کی محقق می‌شود؟ خداوند برای تحقق این قاعده دستوری به مؤمنان می‌دهد که عبارت است از:

﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَخْتَمْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا
الْوَثَاقَ فَمَا مَتًّا بَعْدُ وَإِنَّمَا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾

وقتی با بی‌دین‌های مانع راه خدا در میدان جنگ روبه‌رو می‌شوید، حتماً تارومارشان کنید تا جایی که آتش جنگ بخوابد. موقعی هم که جاپایتان را در خط مقدم سفت کردید، آن وقت از آن‌ها اسیر بگیرید. بعد، یا منت بگذارید و آزادشان کنید یا اینکه در برابر گرفتن پول یا مبادله اسیران آزادشان کنید.

یعنی راه رسیدن به صلح پایدار و فراگیر، به میدان آمدن مؤمنان و جهاد در راه خدا تا از بین رفتن کافران حربی است. صلح راهی جز مبارزه با ظالمانی که مانع راه خدا شده‌اند، ندارد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مگر برای برپایی «صلح» می‌توان «جنگ» راه انداخت؟ آیا می‌شود برای خاموش کردن آتش، روی آن بنزین و چوب ریخت؟!

جواب این است که مثال آتش و چوب در اینجا قیاس مع الفارق است. مثالی که مربوط به این بحث است این است که تصور نمایید شخصی بیمار سرطانی است و قرار است برای سلامتی او تیغ جراحی بر پیکرش بیندازند تا غده‌های چرکین او





را بیرون بکشند. سوال این است آیا تیغی که جراح حکیم و امین، و دور از خطا به دست گرفته است، به نفع بیمار است یا به ضرر؟ جامعه انسانی هم مانند پیکر بیمار دچار سرطان «کفر و استکبار» می شوند و این فراغنه زمان هستند که در پیکره جامعه اختلال به وجود می آورند حال اگر صالحینی که به دور از هوای نفس هستند تیغ به دست بگیرند تا غده های سرطانی را از گردن و ریشه قطع نمایند، به نفع «صلح» جهاد می کنند یا به نفع «فساد و جنگ»؟! حال این سؤال پیش می آید که آیا نمی شد خود خداوند مستقیماً وارد میدان شود و بدون جنگ و مجاهدت و مقاومت، ظلم برچیده شود و صلح در جهان حکم فرما گردد؟ خداوند در ادامه جواب این سؤال را اینطور می دهد:

﴿ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ﴾

دستور همین جهاد و مقاومت سرسختانه در مقابل ظالمان است. البته اگر خدا می خواست، خودش به تنهایی می توانست از آن ها انتقام بگیرد و آنان را نابود کند؛ ولی این طوری با یکدیگر امتحان می کند. باید مجاهدان و مدعیان دروغگو مشخص شوند. باید همگی ما در این میدان امتحان پس دهیم. این امتحان قطعی است.

اینجا سؤال مهمی پیش می آید: در جنگ هر دو طرف کشته

می شوند. سرنوشت مؤمنان مجاهدی که در راه خدا کشته می شوند چه می شود؟ خدا می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ۖ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِأَلْفِهِمْ ۖ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّهَ عَرَفَهَا لَهُمْ ۖ﴾

خدا تلاش شهیدان را از بین نمی برد. این شهادت به معنای از بین رفتن اثر این مقاومت و مجاهدت ها نیست. بلکه خداوند آنان را به طرف خوشبختی می برد و از سختی های برزخ و قیامت می رهااند. و به بهشتی که قبلاً برایشان توصیفش کرده، واردشان می کند. خداوند باز رو به مؤمنان می کند که خیالتان تخت، اگر در راه چنین جهادی مرا یاری کنید، آن وقت تنها نیستید و خودم یاری تان می کنم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ۗ﴾

همه ی ما بدانیم که تا در راه خدا و برای خدا کار میکنیم، حرکت میکنیم، حرف میزنیم، خدا به ما کمک خواهد کرد؛ این وعده ی الهی است. مقاومت و مبارزه با دشمنان بشریت و ظالمانی که دست به قتل عام کودکان و زنان و مردم بی گناه می زنند عمل به این آیه های قرآن است. ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنِ اتَّخَذَتِ اللَّهُ عَلَىٰ نَفْسِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (حج: ۳۹) مقاومت در غزه دارد به قرآن عمل می کند و همین مقاومت و صبر، باعث گشایش و پیشرفت و جلب





نصرت و یاری خداوند خواهد شد. همانطور که خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸) «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)

و عده‌ی صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است. اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و شما را ثابت قدم می‌دارد. یعنی کاری می‌کند که پاهایتان مستحکم شود و نلغزد و دچار لغزش در مسیر نشوید. پیام این آیه این است که اگر حرکت کنید و قیام کنید، خدا شما را یاری می‌کند. این یاری، یاری‌ای است که بدون حرکت اتفاق نمی‌افتد، اما با حرکت، خدا برکت را خواهد آورد. اگر ایمان به وعده الهی باشد، انسان حرکت می‌کند. مردم غزه حرکت کردند و این رژیم غاصب را با یک شکست مفتضحانه مواجه کردند. این همه شهید دادند، اما آبرویی برای رژیم صهیونیستی باقی نگذاشتند. هشت سال دوران دفاع مقدس، مردم ما ایستادند. در عرصه دفاع از حرم، سردار سلیمانی و دیگران ایستادند. حرکت کردند و به ندای ولی خدا لبیک گفتند و رفتند جلو و با این حرکت باعث شدند که قفل‌ها بشکند و درهای بسته باز بشود و خدا با عنایتی که به آن‌ها کرد، هزاران نفر را از محاصره نجات داد. ملت عراق و ملت سوریه و ملت ایران

را از شر داعش نجات داد. زنده شدن وجدان عمومی جهانیان در آمریکا، اروپا و کشورهای اسلامی و دیگر مناطق جهان که در واکنش به وسعت و عمق جنایات مکرر رژیم صهیونیستی در غزه است، وامدار همین مقاومت‌ها است. این نصرت الهی است. این در سایه به‌پاخواستن و حرکت اتفاق می‌افتد.

در مقابل، شکست دشمن طبق این معارف قرآنی قطعی است. ما در شکست دشمن شک نداریم. ما به این باور داریم که دشمن آینده‌ای تاریک و مرگ‌آور خواهد داشت و اقداماتش به ثمر نخواهد رسید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَصَلْ أَعْمَالُهُمْ﴾ (۸)

هلاکت و سرنگونی و مرگ بر این بی‌دین‌های مانع از راه خدا! ای مؤمنان بدانید که خداوند کارشکنی‌شان را خنثی می‌کند. در این وعده‌های الهی هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر عهده‌ی ما است؛ هرگز این نتیجه‌ی قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جریان حق است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را که مقاومت و مبارزه و استقامت است انجام بدهیم.







شب ششم

یک امتحان ہمیشگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الر﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿١﴾ وَلَقَدْ
فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٢﴾
أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٣﴾ مَنْ
كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ وَمَنْ
جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٥﴾ ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي
كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦﴾﴾



الف، لام، میم، نکند مردم خیال می‌کنند همین‌که ادعا کنند «اسلام آورده‌ایم»، به حال خودشان رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] امتحان پس نمی‌دهند؟! مردم قبل از آن‌ها را هم امتحان کرده‌ایم. خدا کسانی را که راست می‌گویند، حتماً معلوم می‌کند و دروغگوها را هم حتماً معلوم می‌کند. از آن طرف، بت پرست‌هایی که به مسلمانان آزار می‌رسانند، خیال می‌کنند از چنگ ما فرار خواهند کرد؟! بد قضاوت می‌کنند! هرکه با قبول معاد، به دیدار خدا امیدوار است، باید تلاش کند؛ زیرا زمان دیدار خدا حتماً فرا می‌رسد و اوست شنوای دانا. بله، هرکه تلاش کند، تنها به سود خودش تلاش کرده است. آخر، خدا از جهانیان کاملاً بی‌نیاز است. کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، گناهانشان را حتماً محو می‌کنیم و پاداششان را بر اساس بهترین کارهایشان می‌دهیم.

شرح آیات ۱ تا ۷ سوره عنکبوت

امشب در محضر آیات اول تا هفتم سوره عنکبوت هستیم و تا لحظاتی دیگر با قرائت قاری عزیزمان به استماع این آیات



می‌نشینیم. خداوند در این سوره به یاری مؤمنان آمده تا بتوانند در گذرگاه دنیا ایمان‌شان را حفظ کنند و بی‌لغزش از گردنه‌های این گذرگاه به سلامت عبور کنند.

اگر یادتان باشد در شب اول آیت‌ی از سوره مبارکه احزاب تلاوت شد که آیه محوری آن، آیه‌ای بود که سید شهدا بر بالین کسی مانند مسلم بن عوسجه خواندند، **«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»** کسانی که صادقانه پای عهد خود در فرار نکردن از میدان جنگ ایستادند. می‌خواهم در این بخش از آیه، به فعل صدقوا استناد کنم. خداوند در آیات ابتدایی سوره مبارکه عنکبوت به مکانیزم و راه روش اینکه چگونه صادقین از غیر صادقین مشخص و جدا می‌شوند، اشاره می‌کند:

﴿الر ۱ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

الف، لام، میم. نکند مردم خیال می‌کنند همین‌که ادعا کنند «اسلام آورده‌ایم»، به حال خودشان رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] امتحان پس نمی‌دهند؟!

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ

الكَاذِبِينَ﴾

مردم قبل از آن‌ها را هم امتحان کرده‌ایم. خدا کسانی را که

۱. آیات مشابه: ۱۲۶ توبه، ۲۱۴ بقره، ۱۴۲ آل عمران، ۱۶ توبه



راست می‌گویید، حتماً معلوم می‌کند و دروغگوها را هم حتماً معلوم می‌کند.

این آیات به این اشاره دارد که ما ابتدا یک جامعه یک دست داریم که در آن صادق و غیر صادق همه ممزوج هستند. ولی سنت جاری بر این نیست که همینجوری ممزوج باقی بماند، بلکه با آزمایش‌ها و فتنه‌ها، صادق از غیر صادق جدا و مشخص می‌شود. ابتلا و امتحان از این طریق همیشگی است و کسانی می‌توانند امام حسین را تا آخر همراهی کنند که خودشان را از قبل برای این امتحان آماده کرده باشند. امام حسین از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند: وقتی همین آیات ابتدایی سوره عنکبوت بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد از آن حضرت پرسیدم: یا رسول الله! این چه فتنه و آزمایشی است که در کلام خدای جلیل ذکر شد؟ فرمود: یا علی! تو مورد آزمایش واقع می‌شوی. و مردم هم به سبب تو آزمایش می‌شوند و در فتنه می‌افتند و مفتون می‌شوند. مردم با تو دشمنی خواهند نمود، و تو نیز باید آماده دشمنی آنها باشی.^۱ یعنی باید همیشه برای این میدان مبارزه آماده بود.

۱. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ ﴿الْعنكبوت﴾ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الْفِتْنَةُ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّكَ مُبْتَلَى بِكَ وَإِنَّكَ مُخَاصِمٌ فَأَعِدْ لِلْخُصُومَةِ.



آزمایش کربلای امام حسین برای مشخص کردن این بود که چه کسانی صادق اند و چه کسانی در میان آن ناس کاذبند. صادق‌ها کسانی بودند که امام حسین بالای سر آنها آیه **«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»** را خواندند و صف آنها را مشخص کردند و مدال صدق را از زبان حضرت گرفتند.

این سنت جاری در عالم هستی است و همین امروز هم برخی از زبان حضرت ولی عصر عج مدال صدق و راستی خود را می‌گیرند. کسانی که خداوند آنها را آزمایش کرد ولی به خاطر خدا مقاومت کردند، مثل رئیس جمهور شهید. اینکه رئیس جمهور شهید اینچنین عاقبت بخیر می‌شود برای این است که در دوران مسئولیت خودش صادق بوده و کسب سیئه نکرده است و الا اگر در طول دوران مسئولیت خودش مانند برخی از افراد کسب سیئه داشت موفق به اخذ چنین مدالی نمی‌شد. این مدال حاصل سالها زحمت و صدق او بوده است.

مقاومت ادامه مسیر امام حسین است. در شب پرفضیلت عاشورا، هنگامی که امام حسین در آستانه نبردی نابرابر با ظلم و ستم قرار داشتند، با قرائت آیاتی از قرآن کریم، یاران خود را به صبر و استقامت در برابر مصائب و سختی‌ها دعوت می‌کردند. یکی از آیاتی که ایشان با صدای بلند تلاوت فرمودند، آیه **«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ**



عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظَلِّعَكُمْ عَلَىٰ
الْغَيْبِ... ﴿آل عمران: ۱۷۹﴾ بود. آنجا هم امام حسین این پیام قرآنی
را تکرار می‌کردند که خداوند مؤمنان را در وضعیتی که هستند رها
نمی‌کند. بلکه صبر و مقاومت آنها را در برابر سختی‌ها و مصائب
امتحان کند و خالصان را از ناخالصان جدا کند.

خداوند در ادامه به چند خطای محاسباتی دیگر اشاره
می‌کند و می‌فرماید:

﴿أَمْرٌ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۱۰﴾﴾

از آن طرف، بت پرست‌هایی که به مسلمانان آزار می‌رسانند،
خیال می‌کنند از چنگ ما فرار خواهند کرد؟! بد قضاوت می‌کنند!

﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۱﴾﴾

هرکه با قبول معاد، به دیدار خدا امیدوار است، باید تلاش
کند؛ زیرا زمان دیدار خدا حتماً فرا می‌رسد و اوست شنوای دانا.

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲﴾﴾

بله، هرکه تلاش کند، تنها به سود خودش تلاش کرده است.

آخر، خدا از جهانیان کاملاً بی‌نیاز است.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ

أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾﴾

کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، گناهانشان
را حتماً محو می‌کنیم و پاداششان را بر اساس بهترین کارهایشان
می‌دهیم.

آری بدون مجاهدت مقاومت در برابر ظلم و ستم، نمی‌توان
به سعادت و رستگاری ابدی دست یافت.







شب هفتم

وحدت و انسجام جامعه، لازمه مقاومت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٥﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٦﴾﴾



مسلمانان! وقتی با گروهی از نیروهای دشمن رودررو می‌شوید، ثابت قدم باشید و خیلی خدا را یاد کنید تا پیروز شوید. در میدان جنگ، دنباله‌رو خدا و رسولش باشید و با هم جرّ و بحث نکنید که روحیه‌تان را می‌بازید و نیرویتان تحلیل می‌رود! به جای آن، مقاومت کنید که خدا در کنار اهل صبر است.

شرح آیات ۴۵ و ۴۶ سوره انفال

امشب در محضر سوره مبارکه انفال هستیم. سوره‌ای که بعد از پیروزی در جنگ بدر نازل گشت. علی‌رغم این پیروزی بزرگ جبهه اسلام مسائلی همچون اختلاف در تقسیم غنائم و... زمینه ساز پشت‌کردن به دشمن و ترک جهاد در راه خدا شده است. خداوند در آیه ۴۵ و ۴۶ این سوره، ۶ دستور به مومنین در میدان جهاد می‌دهد که اگر ما می‌خواهیم مسیر مبارزه امام حسین علیه السلام را ادامه دهیم باید با این آیه‌ها زندگی کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾

دستور اول: میدان جهاد میدان ایمان به خداوند تبارک و تعالی است و اگر کسی در میدان جهاد ایمان به خداوند نداشته باشد شکست خواهد خورد. ایمان به قدرت خدا! ایمان به نصرت

خدا! وایمان به همه این آیاتی که در این شب‌ها با هم تلاوت کردیم.

﴿إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا﴾

دستور دوم: ثابت قدم بودن بر اصول و نترسیدن از هزینه‌ها است. مثل ثابت قدمی مردم و مجاهدان فلسطینی در غزه که علی‌رغم همه سختی‌ها و هزینه‌ها، بر اصول خودشان ثابت مانده‌اند. برخلاف برخی از کشورهای به ظاهر مسلمان که چون از هزینه کردن در این راه هراس داشتند، ثابت قدم نماندند و برخی از وضاحت قرآنی را زیر پا گذاشتند. وضاحتی مثل:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ و ﴿لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ و ﴿أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾.

﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

دستور سوم: ذکر کثیر خدا بکنید. بدون این ذکر خدانمی‌توان ثبات قدم داشت و در میدان جنگ ایستادگی کرد. چرا؟ چون این ذکر و یاد خدا، دل را قرص می‌کند. دل که قرص شد، دل که ثبات پیدا کرد، قدم هم ثبات پیدا می‌کند. در میدان جنگ قبل از آن که پاهای ما، که سست‌عنصر هستیم، به طرف عقب جبهه مشغول دویدن و فرار شود، دل ما فرار کرده. این دل ماست که جسم ما را به فرار وادار می‌کند؛ و آلا اگر دل ایستاده باشد، جسم می‌ایستد. بنابراین فضای جبهه و جهاد باید سرشار از یاد خداوند باشد.





امروز در غزه می‌بینیم که چگونه زن و مرد و کودک و پیر در خاک و خون می‌غلطند، ولی بر لب و دل یاد خدا دارند. اگر در غزه به جای یاد خدا یاد «زن و بچه» و «خانه» و «ماشین» و «تعطیلات کجا برویم؟» و «خوش گذرانی» بود، هیچگاه نمی‌توانستند در مقابل فرعون‌های زمان بایستند و با کوچکترین اخم و تهدیدی کوتاه می‌آمدند. مثل برخی از کشورهای عربی که به خاطر حساب‌های بانکی و دنیای کثیف خودشان، در یاری مظلوم کوتاهی می‌کنند.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾

دستور چهارم: اطاعت از خدا و رسولش است، شرط پیروزی

اطاعت از دستور رهبر و پیشوای الهی است.

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾

دستور مهم پنجم: با هم درگیر نشوید. نزاع و درگیری درونی،

سبب پوک شدن جامعه از اقتدار و قدرت می‌شود. در قرآن کریم،

آیات متعددی بر اهمیت وحدت و انسجام در فضای مقاومت

و مبارزه تأکید دارند. خداوند متعال، وحدت و همدلی را ثمره و

لازمه‌ی پیروزی در برابر دشمنان دین و مملکت می‌داند و تفرقه

و اختلاف را مایه شکست.^۱ علّت رنج کشیدن و در موضع رنج

۱. این معرفت قرآنی در بسیاری از آیات و سوره قرآن کریم تکرار شده است:



کشیدن قرار داشتن مسلمانها چیست؟ شاید مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین عواملش، تفرق مسلمین است. اشکال بزرگ کار ما این است؛ از هم جدا مییم، متفرق‌قیم. وقتی که متفرق هستیم، وقتی خیرخواه هم نیستیم، وقتی گاهی حتی بدخواه همدیگر هستیم، خوب نتیجه همین است. اینجا هم باز قرآن، صریح است. واقعاً در این مسائل زندگی بشر ما هیچ نقطه‌ی مهمی نداریم که قرآن در آن به صراحت حرف نزده باشد؛ اینجا هم قرآن می‌فرماید که **«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»**؛ وقتی تنازع کردید، فشل به وجود می‌آید؛ فشل یعنی سستی. **«وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»** یعنی تَذْهَبَ عِرْگَم؛ یعنی عزتتان از بین می‌رود. اختلاف که پیدا کردید، قهراً خاک نشین می‌شوید، قهراً ذلیل می‌شوید، قهراً وسیله‌ی تسلط دیگران بر خودتان را فراهم می‌کنید.

«وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» ﴿۱۶۱﴾

و دستور ششم: اهل صبر و پایداری باشید که امدادهای الهی با صابران است.

آل عمران : ۱۶۱ **«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...»**؛ آل عمران : ۱۰۵ **«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا»**؛ آل عمران : ۱۵۲ **«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَخَسُّوهُم بِأَذْيِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ»**؛ صف : ۴ **«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ»**

اگر ایمان داشته باشیم و بایستیم و زیاد یاد خدا کنیم و مطیع
خدا و رسول خدا باشیم و با هم درگیر نشویم، می‌توانیم مقاومت
و صبر و ایستادگی کنیم و آن وقت است که پیروزی قطعی است.





شب هشتم

مبارزه و مقاومت رمزیشرفت و مقدمه ظهور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ
يَضُرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَلْنَا مَكَاتِ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
آبَاءَنَا الصَّرَاءُ وَالسَّرَاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ
الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن
كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ
بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ وَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ
يُلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾﴾



هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند! وقتی دیدیم بیدار نشدند، ورق را برگردانیم و به جای سختی، اسباب راحتی فراهم کردیم؛ تا جایی که غرق نعمت شدند [بلکه بیدار شوند ولی نه اینکه رفاه و فراوانی نعمت در بیدار کردنشان مؤثر نیفتاد، بلکه بر پایه پنداری اساس] و گفتند: به پدران ما هم به طور طبیعی تهیدستی و سختی و رنج و بیماری رسید [و ربطی به رویارویی ما با پیامبران و خشم خدا نداشت پس به ناگاه آنان را در حالی که درک نمی کردند] به عذابی سخت و نابودکننده [گرفتیم! اگر مردم شهرها ایمان بیاورند و مراقب رفتارشان باشند، درهای ناز و نعمت را از آسمان و زمین به رویشان می گشاییم؛ ولی متأسفانه آیه‌ها و نشانه‌هایمان را دروغ می‌دانند. ما هم به سزای کارهای زشتشان، گرفتار عذابشان می‌کنیم. مگر مردم شهرها مطمئن‌اند از اینکه عذابمان شبانه و وقتی در خواب غفلت‌اند، سراغشان نمی‌آید؟! مگر مردم شهرها مطمئن‌اند از اینکه عذابمان در روز روشن و وقتی سرگرم کارهای بیهوده‌اند، سراغشان

نمی‌آید؟! در کل، مگر خودشان را از غافلگیری خدا در امان می‌دانند؟! البته فقط جماعتِ واقعاً ورشکسته، خودشان را از غافلگیری خدا در امان می‌دانند!

شرح آیات ۹۴ تا ۹۹ سوره اعراف

در جلسه اول از یک عهد سخن گفتیم. از مردانی گفتیم که پای عهد خود با خدای خود صادقانه ایستادگی کردند. امشب می‌خواهیم آیاتی از سوره مبارکه اعراف را قرائت کنیم. سوره‌ای که در آن خداوند عهدی را که از آدمیان گرفته - که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند - مبنای کلام قرار داده، و آن گاه از سیر تاریخی این عهد در امم و قرون گذشته بحث می‌کند. متأسفانه اکثر امم گذشته این عهد را شکسته و آن را از یاد بردند، و در نتیجه وقتی پیغمبری در بین آنان مبعوث می‌شده و آیات و معجزاتی می‌آورده که آنان را به یاد عهد خود بیندازد تکذیب می‌کردند و جز عده کمی به وسیله آن آیات متذکر نمی‌شدند. خداوند تبارک و تعالی در آیه ۹۴ این سوره، به یکی از سنت‌های خود اشاره می‌کند که غالب انسان‌ها از این سنت الهی یا غافل هستند یا درست برخلاف آن را معتقدند و این جهل و غفلت سبب خطای محاسباتی آنان شده است.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ

يَضَّرَعُونَ﴾ (٧٤)

خدای سبحان هر پیغمبری را که به سوی امتی از آن امت‌ها می‌فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلای به ناملایمات و محنت‌ها آزمایش می‌کرد، تا به سویش راه یافته و به درگاهش تضرع کنند. در آیات امشب خداوند می‌فرماید ما برای امت‌هایی که دچار خطا و گناه بودند پیامبر فرستادیم ولی آن‌ها حرف رسولشان را گوش ندادند به همین دلیل ما برای آن‌ها سختی‌هایی قرار دادیم تا متوجه خطاهای خودشان شوند ولی آن‌ها معرفت و آگاهی نداشتند تا این بلاها و مشکلات را درست تحلیل کنند و اگر درست و توحیدی تحلیل می‌کردند به جای غرغر کردن و کفر گفتن تضرع می‌کردند و خداوند آن‌ها را نجات می‌داد ولی آن‌ها تضرع نکردن بلکه لجن پراکنی کردند و کفر گفتند. وقتی معلوم می‌شد که این مردم به این وسیله که خود یکی از سنت‌های الهی است، متنبه نمی‌شوند سنت دیگری را به جای آن سنت به نام سنت استدراج جاری می‌سازد:

﴿ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَاتَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا

الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَا هُمْ بِعَتَّةٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (٧٥)

در سنت استدراج خداوند برای مدت کوتاهی انواع گرفتاریها



و ناراحتی های آنان را برطرف کرد و برای آنها خوشی هایی قرار داد تا شاید با نعمت ها بیدار شوند. ولی باز آنها دچار خطا در محاسبه شدند و گفتند مشکلات شانس و طبیعت روزگار است برای قبلی ها و پدران ما هم همین مشکلات بوده است! با این تحلیل و عملکرد اشتباه روز به روز بلکه ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیکتر شدند، تا وقتی که همه شان را به طور ناگهانی و بدون اینکه احتمالش را هم بدهند به دیار نیستی فرستاد.

اما راه درست چه بود؟

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ﴾

اگر مردم شهرها ایمان بیاورند و مراقب رفتارشان باشند، درهای ناز و نعمت را از آسمان و زمین به رویشان می گشاییم؛ ایمان و تقوا که باشد، برکات آسمان و زمین جاری خواهد شد. برکات آسمان، همان فتوح معنوی و رحمت الهی و تقرب الی الله و استغفار ملائکه ی آسمان و حمله ی عرش برای بندگان خدا در روی زمین است. اما برکات ارض چیست؟ یعنی همه ی آنچه که به زندگی زمینی انسان ارتباط پیدا می کند؛ یعنی آزادی، یعنی رفاه، یعنی استقلال، یعنی امنیت، یعنی سعه ی رزق، سلامت بدن و از این قبیل. اگر ایمان و تقوا باشد، هم آن برکات و هم این برکات برای بشر وجود دارد. این، اسلام است.





تقوای الهی، یعنی هر انسانی ملاحظه کند که چه کاری بر او لازم و واجب شده است، آن را انجام دهد؛ چه کاری برای او ممنوع شده است، آن را انجام ندهد. اگر مردمی این توفیق را پیدا کنند که این طور زندگی کنند، زندگی آنها از همه ی آنچه که شما از رشد زندگی ملت‌ها در دوران معاصر و در تاریخ گذشته می بینید، بهتر خواهد شد. خاصیت ایمان و تقوا فقط این نیست که دل انسان‌ها آباد می شود، بلکه دست و جیب انسان‌ها هم پر می شود، سفره ی انسان‌ها هم رنگین و بازوی آنها قوی می گردد. ایمان و تقوا این خصوصیت را دارد. این برای نظام اسلامی، آن هدف عالی است. فلذا امام حسین علیه السلام در روز عاشورا قبل از شروع جنگ وقتی برای اصحاب خویش سخنرانی کردند، در میانه صحبت‌هایشان به قیام امام دوازدهم اشاره فرمودند و در توصیف زمان ظهور، همین آیه ۹۶ سوره اعراف را تلاوت کردند.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

یعنی در پناه این مجاهدت و مقاومت و مبارزه است که برکات خدا بر سر مؤمنین فرو می ریزد و ظهور محقق می گردد. همچنان که مقاومت فوق العاده مردم غزه نشان داده است. همانطور که شاهد برکات فراوان عملیات غرورآفرین وعده صادق و اقتدارآفرینی برای ایران اسلامی بودیم. این سنت خداست: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ

الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)

این آیات خط بطلانی بر تفکری است که مقاومت در برابر دشمنان را مایه ضرر و مانع پیشرفت مادی تصویر می‌کند. ایمان به این آیات دل و قدم انسان را قرص و محکم می‌کند. اما وقتی این آیات در جلوی چشم مانع نباشد، جایش را محاسبات مادی می‌گیرد که در نتیجه‌اش می‌شود فرار از میدان مبارزه از ترس شکست و گرفتاری و مرگ! خداوند در قرآن کریم حقایق را بیان می‌کند تا خطای محاسباتی باعث بدعهدی انسان در مسیر مقاومت نشود. همچنان که امام حسین (علیه السلام) در مسیر مکه تا کربلا خطاب به جن‌های مسلمانی که برای یاری امام حسین آمده بودند، پس از آنکه برای آنان دعا کرد ایات **﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسَيَّدَةٍ﴾^۱** و **﴿لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ﴾^۲** را تلاوت کردند. دشمن می‌خواهد هزینه‌های مقاومت را آن قدر بالا نشان دهد که مؤمنان دچار خطای محاسباتی شوند و میدان وظیفه و مجاهدت و مقاومت را از ترس هزینه‌هایش خالی کنند. اما امام حسین با

۱. هر کجا باشید، مرگ شما را می‌یابد؛ اگر چه در برجهای سخت بنیان

سکونت نمایید. نساء: ۷۸

۲. بگو: اگر شما در خانه‌هایتان هم بودید، کسانی که کشته شدند بر آنها حتمی

شده بود [با پای خود] به سوی قتلگاه خویش بیرون می‌آمدند. آل عمران: ۱۵۴



تلاوت این آیات خط بطلانی بر این تفکر می‌کشد و می‌گوید انسان نباید میدان را از ترس مثلاً مرگ خالی کند چرا که اصلاً مرگ به این چیزها ربطی ندارد و اگر اجل انسان فرابرسد، چه در میدان جنگ باشد چه در بستر، مرگ او را فرا خواهد گرفت.

اما متأسفانه خیلی از افراد از این حقیقت که ایمان رمز پیشرفت‌های مادی است غافل شدند و آن را تکذیب کردند:

﴿وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٣٦﴾﴾

ولی متأسفانه آیه‌ها و نشانه‌هایمان را دروغ می‌دانند. ما هم به‌سزای کارهای زشتشان، گرفتار عذابشان می‌کنیم.

چه طور انسان جرأت کرده است که اینطور عمل کند و از این

مؤاخذه الهی هراسی ندارد؟

﴿أَقَامِنَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَأَوَّامِنَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ ﴿٣٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٩﴾﴾

مگر مردم شهرها مطمئن‌اند از اینکه عذابمان شبانه و وقتی در خواب غفلت‌اند، سراغشان نمی‌آید؟! مگر مردم شهرها مطمئن‌اند از اینکه عذابمان در روز روشن و وقتی سرگرم کارهای بیهوده‌اند، سراغشان نمی‌آید؟! در کل، مگر خودشان را از غافلگیری خدا در امان می‌دانند؟! البته فقط جماعت واقعاً ورشکسته، خودشان را از غافلگیری خدا در امان می‌دانند!



شب نهم

فرب قدرت نامی ها را خورید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَا يَخْزَنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُضِلُّهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٧٥﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْغَيْبَ مِنَ الظَّهِيبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾



مبادا کسانی که در بی‌دینی و نافرمانی سر از پا نمی‌شناسند، غصه‌دارت کنند! آن‌ها هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند. به عکس، خدا می‌خواهد بهره‌ای در آخرت نداشته باشند و عذابی بی‌اندازه در انتظارشان است. البته همه کسانی که بی‌دینی را به قیمت ازدست‌دادن سرمایه ایمان به دست آورده‌اند، هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند و عذابی زجرآور در پیش دارند. کسانی که بی‌دینی می‌کنند، خیال نکنند مهلتی که به آن‌ها می‌دهیم، به سودشان تمام می‌شود! به آن‌ها مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه برگناه خود بیفزایند! بله، عذابی خفت‌بار نصیبشان می‌شود. در جامعه شما، مؤمن و منافق مخلوط‌اند و خدا بنا ندارد مؤمنان را در این وضع رها کند. پس آزمایش‌تان می‌کند تا افراد پلید و پاک را از هم جدا سازد. همین‌طور، خدا بنا ندارد از اسرار غیبی آگاهتان کند؛ ولی به پیامبران برگزیده خود اسرار غیبی را می‌گوید. بنابراین خدا و پیامبران را باور کنید. اگر ایمان واقعی داشته باشید و مراقب رفتارتان باشید، پاداشتان بزرگ خواهد بود.

شرح آیات ۱۷۶ تا ۱۷۹ سوره آل عمران

در شب‌های گذشته جلساتمان را با تلاوت تدبیری آیات نورانی قرآن آغاز کردیم که پرده از یک نبرد همیشگی جریان حق و باطل برمی‌داشت. در هیاهوی این نبرد حق و باطل، گاه جریان باطل با اتکا به قدرت ظاهری و مانورهای خود، سعی در القای برتری و حقانیت خویش دارد.

امشب در محضر آیات ۱۷۶ تا ۱۷۹ سوره آل عمران هستیم. آیتی که بعد از شکست مؤمنان در جنگ احد نازل شده تا با یک تحلیل درست از عوامل این شکست، شبهاتی که در جامعه پراکنده شده است را پاسخ گوید. این آیات چراغ راهی برای تشخیص حق از باطل و رسیدن به حقیقت واقعی است.

یکی از اتفاقاتی که باعث شده بود برخی از مؤمنان دچار تردید و شک شوند و پایشان در مسیر مقاومت و همراهی رسول خدا بلغزد، دیدن شوکت و هیبت و سرعت کفار در مسیر بی‌دینی و دشمنی‌شان با رسول خدا بود. برای خیلی‌ها این مانور قدرت جریان باطل شبهه‌برانگیز شده بود و آنان را دچار خطای محاسباتی کرده بود که نکنند حق با آنان است و...؟! آیات ۱۷۶ تا ۱۷۹ سوره آل عمران که تا لحظاتی دیگر تلاوت می‌شود نازل شد تا جلوی این خطای محاسباتی را بگیرد:





﴿وَلَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ سَبِيلًا﴾

مبادا کسانی که در بی دینی و نافرمانی سر از پا نمی شناسند، غصه دارت کنند! آن ها هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند.

در آن شرایط سخت بعد از شکست جنگ احد باور به این جمله خیلی راهگشا و امیدآفرین است: ﴿إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ سَبِيلًا﴾
آن ها هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْأَخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾﴾

به عکس، خدا می خواهد آنان بهره ای در آخرت نداشته باشند که اینطور به آنان مهلت داده و عذابی بی اندازه در انتظارشان است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَصُرُوا اللَّهَ سَبِيلًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾﴾

باز خداوند بر این عبارت کلیدی تأکید می فرماید که: البته همه کسانی که بی دینی را به قیمت ازدست دادن سرمایه ایمان به دست آورده اند، هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند و عذابی زجرآور در پیش دارند. ایمان به این آیات خیلی صحنه را تغییر می دهد و دل آدم را قرص می کند و مؤمن را در مسیر حق و مسیر امام حسین ثابت قدم می کند.

در ادامه همین آیات است، آیاتی که حضرت امام حسین علیه السلام در شب عاشورا هنگامی که سربازان ابن سعد از کنار خیمه ها عبور و مرور می کردند با صدای بلند می خواندند.^۱ همان آیاتی که حضرت زینب

۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۹۵؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۸۴؛ نورالثقلین

کبری در مجلس یزید تلاوت کردند:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (۱۷۸)

کسانی که بی دینی می‌کنند، خیال نکنند مهلتی که به آن‌ها می‌دهیم، به سودشان تمام می‌شود! به آن‌ها مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه برگناه خود بیفزایند! بله، عذابی خفت‌بار نصیبشان می‌شود. اینها دچار خطای محاسباتی شده‌اند که اینطور جلوی ابا عبدالله صف کشیده‌اند.

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْعَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (۱۷۹)

در جامعه شما، مؤمن و منافق مخلوط‌اند و خدا بنا ندارد مؤمنان را در این وضع رها کند. پس آزمایش‌تان می‌کند تا افراد پلید و پاک را از هم جدا سازد. همین‌طور، خدا بنا ندارد از اسرار غیبی آگاهتان کند؛ ولی به پیامبران برگزیده خود اسرار غیبی را می‌گوید. بنابراین خدا و پیامبرانش را باور کنید. اگر ایمان واقعی داشته باشید و مراقب رفتارتان باشید، پاداشتان بزرگ خواهد بود. مهلتی که الان خداوند به آمریکا و اسرائیل داده است برخی را دچار خطای محاسباتی نکند که شاید با این همه ظلم و جور حق با آنها است. چرا با این همه ظلم و جور که یک موردش





بیش از ۴۰ هزار کشته و شهید در غزه است خداوند آنها را نابود نمی‌کند؟ در این آیات بر این نکته تأکید دارد که این مانور قدرت جریان باطل نشان‌دهنده حقانیت آنان و دست بالا داشتن آنان نیست، بلکه همگی در پازل الهی است و به ضرر خودشان تمام می‌شود. حضرت امام حسین علیه السلام با تأکید بر مضمون این آیات، به یاران خود می‌آموزند که فریب قدرت و مانورهای ظاهری یزیدیان را نخورند و تسلیم باطل نشوند. در دنیای امروز نیز، جریان‌های باطل با اتکا به قدرت ظاهری و فریبکاری، سعی در گمراه کردن انسان‌ها و تسلط بر آنها دارند. مقاومت استثنائی مردم غزه و زنان و کودکان آن موجب شد تا این تمدن، ذات خبیث خود را آشکار کند و پوچ بودن بسیاری از شعارهای آن مثل حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی خواهی و... برای همه علی‌الخصوص خود شهروندان جامعه غربی علنی شود.

آیه ۲۲۷ شعراء: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ نیز از آیاتی است که سر بریده مبارک امام حسین علیه السلام تلاوت کرده است. این آیه به ظالمان و ستمگران هشدار می‌دهد که در آینده‌ای نه چندان دور، به سزای اعمال خود خواهند رسید. ایمان به این وعده الهی و یقین به پیروزی نهایی حق و امید به آینده‌ای روشن، بهترین ثمرات این آیه در ترویج فرهنگ مقاومت و ایستادگی است.



شب دهم

پیام امید بخش شهدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرزقُونَ﴾

﴿٦٦﴾ فرحين بما آتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم

من خلفهم ألا خوف عليهم ولا هم يحزنون ﴿٦٧﴾ يستبشرون بنعمة من

الله وفضل وأن الله لا يضيع أجر المؤمنين ﴿٦٨﴾﴾



هرگز خیال نکن کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده‌اند! بلکه زنده‌اند و در حضور خدا به آنان روزی مخصوص می‌دهند. از پاداشی که خدا از سر بزرگواری به آنان داده است، خوشحال‌اند و به کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند مژده دهند که از مرگ نترسند و غمی برایشان نیست. و آنها را بشارت به نعمت و فضل خدا دهند و اینکه خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگرداند.

شرح آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران

در محضر آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران هستیم. همانطور که شب گذشته هم اشاره کردیم، این سوره بعد از شکست مؤمنان در جنگ احد نازل شده است. این شکست زبان برخی منافقان را باز کرده و بازار شبهه پراکنی داغ شده است. می‌گویند اگر کشته شدگان جنگ، حرف پیامبر را گوش نمی‌دادند و به جنگ نمی‌رفتند، الان سالم و سلامت کنار ما زنده بودند. خداوند در بخشی از آیات این سوره مثل آیات ۱۵۴ و ۱۵۶ تا ۱۵۸ و ۱۶۸ و... به شدت با این نگاه

۱. ﴿يَقُولُونَ لَوْ كَانَتْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾. آل عمران: ۱۵۴



کفرآمیز مقابله می‌کند و مؤمنان را از گرفتار شدن به این خطای محاسباتی نجات می‌دهد. منافقین می‌گفتند که **﴿لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾**^۱ اگر این جوانها به میدان جنگ نمی‌رفتند، حالا زنده بودند؛ حالا هم گاهی می‌شنویم، که اگر فلان کار نمیشد، فلان کس زنده بود. قرآن می‌گوید این جور نیست که شما خیال میکنید: **﴿قُلْ فَادْرَعُوا عَنِ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ﴾**^۲ اگر شماها مانندن را وسیله‌ی زنده ماندن می‌دانید، خب پس خودتان نمیرید؛ شما که اینجا نشستهاید، کاری کنید که مرگ به سراغ شما نیاید. بعد می‌فرماید: **﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾**^۳ هرگز خیال نکن کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده‌اند! بلکه زنده‌اند و در حضور خدا به آنان روزی مخصوص می‌دهند. این حیات داشتن شهدا نزد خداوند، یک حیات ویژه‌ای است. همه بعد از این عالم دنیا، در عالم برزخ زندگی برزخی دارند، ولی شهدا یک حیات ویژه دارند که در آن حیات، فعال هستند و یک تاثیری در این عالم دارند. فکر نکنید این شهدا از دست رفته‌اند و

۱. آل عمران: ۱۶۸

۲. آل عمران: ۱۶۸

۳. در دو جای قرآن تصریح شده که شهیدان مرده نیستند، زنده‌اند؛ یکی دیگر

هم در سوره‌ی بقره است: **﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ﴾**.

(بقره: ۱۵۴)



ضرر کرده ایم. این شهدا به مقام بسیار بالایی رسیده اند و تاثیرشان هم بیشتر شده است. قرآن می گوید نباید رفتن اینها مایه ی حسرت شود. امیر المؤمنین هم نهی کردند از گریه بر کشتگان صفین. مکت ما مکتب «إِحْدَى الْحُسَيْنِيِّن» است! مکتب ما شکست ندارد. جامعه ای که مرگ را کشته است، از مرگ زندگی می سازد، مرگ را زندگی می بیند، شما چگونه می خواهید این جامعه را شکست بدهی؟ اینکه امام بزرگوار فرمود ملتّی که شهادت دارد اسارت ندارد، به این خاطر است. وقتی شما به فدا شدن در راه خدا به صورت یک موفقیت بزرگ نگاه کردید، به سمت خطر - به خاطر شهادت - بی محابا حرکت کردید، هیچ نیرویی در دنیا نیست که بتواند در مقابل شما ایستادگی کند.

حضرت زینب علیها السلام نیز در گفتگو با یزید لعنت الله علیه به یزید می گوید که به خاطر این کاری که کرده ای خوشحال نباش، و سپس این آیه و آیه بعدی را تلاوت می کنند:

۱. «قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنِيِّنَ وَنَحْنُ نَتَرْتَضُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِندِهِ أَوْ يَأْتِيَدِينَا فَتَرْتَضُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرْتَضُونَ». التوبة: ۵۲
۲. السّجّاد علیه السلام رَوَى شَيْخٌ صَدُوقٌ مِنْ مَشَائِخِ بَنِي هَاشِمٍ وَ غَيْرِهِ مِنَ النَّاسِ: أَنَّهُ لَمَّا دَخَلَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ علیهم السلام وَ حَرَمُهُ عَلَى يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ فَقَامَتْ رَجِيْبَةُ بِنْتُ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیها السلام وَ قَالَتْ ... اللَّهُمَّ خُذْ حَقِّنَا... (خطاب به یزید): وَ فَعَلْتَ فَعَلْتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ ... وَ لَا يَسْتَفِرُّنَكَ الْفَرْحُ بِقَتْلِهِ «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ» فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيُسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (٧٠)

شهادت از پاداشی که خدا از سر بزرگواری به آنان داده است،
سر مست و خوشحال اند و به کسانی که از پی ایشانند و دنباله رو
آنانند ولی هنوز به آنان نپیوسته اند مژده دهند که از مرگ نترسند
و غمی برایشان نیست.

شهادت سر مست و خوشحال اند ولی نکته جالب در این آیات
این است که آنها صرفاً مشغول به آن فرح نمی شوند تا از بقیه امور
باز بمانند. شهادت پیام دارند. پیامی برای کسانی است که راه شهادت
را می پیمایند و هنوز به شهادت ملحق نشده اند. پیام شهیدان
حقیقتاً پیام بشارت است؛ ما باید گوشمان را اصلاح کنیم که این
پیام را بشنویم؛ بعضی نمی شنوند پیام شهادت را، لکن این [آیه ی]
قرآن کریم است:

﴿وَيُسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (٧١)

بشارت می دهند؛ بشارت می دهند به چه؟ به نفی دو آفت
مهم: یکی ترس، یکی اندوه؛ هم ترس را، هم اندوه را نفی می کنند.
خوف و حزن دو آفت بزرگ است برای یک ملت. اگر نشاط اجتماعی
می خواهیم، اگر امید و شادابی و سرزندگی می خواهیم، اگر طراوت





در نسل‌های جوانان می‌خواهیم، باید به این گزاره‌ی ملکوتی و قرآنی ایمان بیاوریم. این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته می‌شود؛ همچنان که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته می‌شود. آن هم [بیان] آیه‌ی قرآن است: **﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾** (فصلت: ۳۰) مقاومت این جور است. اگر می‌خواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت؛

شهادت‌ها هستند، با تن خودشان دفاع میکنند، وقتی می‌روند هم با بشارت‌های خودشان. صدایشان تازه بعد از رفتن بلند می‌شود. نطق شهدا بعد از شهید شدن باز می‌شود، با مردم حرف می‌زند که در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هرچه هست بهجت است، ابتهاج است، نشاط است، روحیه است، امید است. ادبیات جنگ ادبیات بشارتی است.

شهادت زنده‌اند و در این عالم تاثیر ویژه دارند. حال چه کسانی می‌توانند از این فیض استفاده کنند؟ شرطش این است: **﴿وَدَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ﴾**؛ آن‌هایی که رابطه‌شان را با این شهدا حفظ کرده باشند. چه طور؟ با دنباله‌روی و ادامه دادن مسیر آنان.

این پیام شهدا به ما، پیام خیلی مهمی است:

﴿يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ﴾

خدا به شما نعمت خواهد داد، خدا به شما فضل خواهد داد؛

﴿وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (۷۱)

این حرکتی که شما دارید می‌کنید، پیش خدا پاداش دارد و خدا این پاداش را ضایع نخواهد کرد؛ شهدا دارند به ما می‌گویند، دارند ما را تقویت می‌کنند، دارند به ما انگیزه می‌دهند، دارند ما را در این حرکت تشویق می‌کنند تا حرکت را محکم‌تر، قوی‌تر، مستدام‌تر، مستمرتر انجام بدهیم.

این پیام شهدا به ماست: «اگر وارد میدان مبارزه بشویم، خدا ترس و اندوه را از ما دور می‌کند.» پیام شهدای کربلا! پیام ۴۰ هزار شهید غزه! پیام شهید جمهور عزیز و دیگر شهدای خدمت! پیام شهید سلیمانی و دیگر سرداران عزیزمان!

جنگ البته چیز سختی است، چیز تلخی است؛ لکن از همین حادثه‌ی تلخ، پیام بهجت و عظمت و نشاط را قرآن بیرون می‌کشد. شما ببینید، کشته شدن، از دنیا رفتن از نظر همه‌ی مردم دنیا، یعنی اغلب مردم دنیا، یک فقدان است، یک از دست دادن است اما قرآن چه می‌گوید؟ قرآن از کشته شدن، از مردن، از عبور از این دنیا، از محروم شدن از زندگی، یک پیام نشاط بیرون میکشد، پیام بهجت بیرون میکشد، پیام بشارت بیرون می‌کشد.





عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، و الا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان؛ این حزن و خوف ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

سخن پایانی

آیه‌های زندگی‌ساز قرآن، مایه‌ی روحانیت و معنویت و برکت است؛ به خصوص این آیاتی که در این شب‌های ماه محرم تلاوت شد. آیاتی که نشان‌دهنده‌ی خطّ روشن همه پیامبران در طول تاریخ است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ آیاتی که تبیین‌گر عملکرد لازم امت اسلامی در هنگامه‌های دشوار، در چنبره‌های سخت زمانه است. آیاتی که روشن‌کننده‌ی راه پیشرفت امت است. معلوم می‌کند که اگر امت اسلامی در هر برهه‌ای، دچار چالش‌ها و مشکلات و دشمنی‌هایی شد، راه چیست؟ «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ



مَنْ قَضَىٰ فَعْبُهُ وَمِعْمَهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا^۱ وقتی پیمان با خدا و معاهده‌ای که دلهای مؤمن با خدا بسته‌اند صادقانه باشد، همه‌ی کارها پیش خواهد رفت؛ ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ همه‌ی مشکلات برطرف خواهد شد. شرطش این است که مؤمنانه بایستیم و بایستیم و بایستیم. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنَّيَٰ وَفُرَادَىٰ﴾^۳ و بایستیم. شرطش این است که هوای هم را داشته باشیم و با هم درگیر نشویم؛ ﴿لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾^۴ در آن صورت دیگر جای سستی و اندوهی نیست؛ ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۵ پیروزی قطعی است. البته همانطور که زندگی موانع و مشکلات دارد، مسیر فتح و پیشرفت هم با چالش‌های زیادی روبرو است و هیچ جاده‌ی آسفالته‌ای در مقابل هیچ ملّتی نیست؛ ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَمُرُّوا أَنَّ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۶ همه این سختی‌ها برای این است که حسینی‌ها از یزیدی‌ها جدا

۱. احزاب: ۲۳

۲. اعراف: ۹۶

۳. سبأ: ۴۶

۴. انفال: ۴۶

۵. آل عمران: ۱۳۹

۶. عنکبوت: ۲



شوند. میدان مقاومت، میدان امتحان عاشقی است. تنها راه پیشرفت، مقاومت جانانه و صادقانه است. باید راه را با همت خودمان، با مقاومت و استقامت خودمان هموار کنیم، صاف کنیم تا با یاری خدا به سمت اهداف و آرمان هایمان حرکت کنیم. **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾**^۱ این آیات به ما این چیزها را تعلیم داد. ما را از خطای محاسباتی به خاطر قدرت نمایی قدرت های پوشالی نجات داد. **﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيَزدَادُوا إِنَّمَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾**^۲ این آیات گوش ما را به پیام های بشارت آمیز شهدا باز کرد: **﴿وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾**^۳ «جبهه ی مقاومت با فراگیری و عمل به این دستورها و صدها نظائر آن به پیش می رود و به پیروزی خواهد رسید؛ باذن الله.»^۴

۱. محمد: ۷

۲. آل عمران: ۱۷۸

۳. آل عمران: ۱۷۰

۴. نامه حضرت آیت الله خامنه ای به دانشجویان حامی مردم فلسطین در

دانشگاه های ایالات متحده آمریکا، ۱۴۰۳/۰۳/۰۵.

شبيهه اين را قبل از انقلاب بنده در جلساتي كه درباره مسائل قرآني صحبت مي كردم [انجام مي دادم]. اين جوري بود كه من شرح مفصلي را درباره يك موضوعي بحث مي كردم؛ آيات آن موضوع را انتخاب كرده بوديم. من ايستاده سخنراني مي كردم، بعد از صحبت من، يك نفر از قراء مي آمدند مي نشستند؛ آنجا صندلي بود، منبر بود، قاري مي آمد روي آن منبر مي نشست و تلاوت قرآن مي كرد. من مي گفتم [ديگران] قرآن را در مجالس مقدمه سخنراني قرار مي دهند، من سخنراني ام را مقدمه قرآن قرار مي دهم. بيانات در محفل انس با قرآن كريم ۱۴۰۲/۱/۳



زندگی با آیاتها
نهضت ملی حفظ و تبیین آیه‌های قرآن کریم

